



آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاهرزاده، اصغر، 1330 -

عنوان و نام پدید آور : آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی / اصغر طاهرزاده.

مشخصات نشر : اصفهان: لب المیزان، 1390.

مشخصات ظاهری : 79 ص.

فروست : سلسله مباحث معرفت دینی. مهدویت؛ 8.

شابک : 10000 ریال: 978-964-2609-37-6؛ 15000 ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم : 1391.

یادداشت : کتابنامه: ص. [78]-79؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع : آخرالزمان

موضوع : آخرالزمان (اسلام) -- احادیث

موضوع : آخرالزمان (اسلام) -- جنبه های قرآنی



رده بندی کنگره : 1390 372 ط/BP222/3

رده بندی دیویی : 44/297

شماره کتابشناسی ملی : 2368216

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

آخر الزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بُعد هستی

اصغر طاهرزاده

ص: 3

ص: 4

فهرست مطالب

مقدمه. 7

لطف خدا در شناخت حجّت الهی.. 10

شناخت ظهور خاص؛ مقدمه ی ظهور عام. 14



ظهور غیبی ترین گوهر. 17

ولایت؛ باطن نبوت... 19

آخرالزمان و ظهور باطنِ آخرین نبی.. 21

ائمه علیهم السلام منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف..... 23

تمامیت جبهه ی سُعداء و اشقیاء. 26

زمان به انتها می رسد.. 28

حالت غیبی آخرالزمان، مقدمه ی انتقال به عالم غیب قیامت... 30

جهان در حال آمادگی جدایی حق از باطل.. 32

یقین مردم آخرالزمان.. 34

خطر انکار! 37

راز ادامه ی غیبت... 40

ص: 5

چگونگی رهایی از دجال.. 42

طلوع بصیرت... 43

شرایط اُنس با عالم غیب... 45



شرح فرازهایی از مبحث قبل.. 49

رجعت؛ شرایط تکمیل انسان ها 64

کامل ترین شرایط... 66

آخراالزمان؛ عالمی گسترده تر. 67

راز سرعت بخشیدن به ظهور. 69

برکات نگاه درست به مهدویت... 73

ص: 6

مقدمه

باسمه تعالی

1- شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قدری عجیب و عظیم است که اندیشه های زیادی را جهت درک آن شرایط به خود مشغول می کند تا انسان متوجه شود چگونه با ظهور آن حضرت، ابعاد پنهان و باطنی عالم به ظهور می آید و سنگ و درخت با یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می گویند.

2- بیش از آن که تصور شود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عالم غیب به عالم شهود می آید باید به این نکته توجه شود که عالم شهود نیز آنچنان صعود می کند که می تواند ظرف ظهور ابعاد غیبی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد.



3- رابطه ی بین ظهور پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان حامل آخرین و کامل ترین دین و ظهور آخرین ولی خدا به عنوان حامل آخرین اسرار الهی ما را به این تأمل دعوت می کند که در آخرالزمان باطنی ترین ابعاد هستی ظهور خواهد کرد.

ص: 7

4- وقتی حضرت سجاد در وصف منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «الْغَيْبُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدِ»⁽¹⁾ غیبت نزد آن ها همانند مشاهده است، می فهمیم زمانه جهت ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید آنچنان اوج بگیرد که دیگر عالم ماده حجاب بین انسان ها جهت رؤیت عالم غیب نباشد و این می رساند که ضروری است معارف خاصی به میان آید که بتواند انسان ها را به حضور عالم غیب سیر دهد تا زمینه ی ظهور آن حضرت فراهم گردد. اولین قدم، روی برگرداندن از تمدنی است که تماماً حسی و حسی زده است.

5- اعتقاد به توحید و نافذبودن توحید، اقتضا می کند که متوجه باشیم توحید الهی همچنان تاریخ را در می نوردد و جلو می آید و روز به روز بیشتر ظهور می کند تا منجر به توحیدی ترین شرایط و حاکمیت موحد ترین انسان شود و در نتیجه در آخرالزمان انسان ها با تجلی کاملی از توحید الهی روبه رو خواهند شد و این یعنی ظهور ابعاد باطنی عالم هستی و پشت کردن به ظلماتی که مانع تجلی چنین توحیدی است.

این ها از نکاتی است که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته و فرهنگ انتظار را معنی کرده است تا معلوم شود باید منتظر چه چیزی بود و چگونه خود را برای چنان شرایطی آماده کرد. به امید آن که قدمی به سوی ظهور باطنی ترین بُعد هستی برداشته باشیم.



1- بحار الأنوار، ج 52، ص 123.

بسم الله الرحمن الرحيم

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ)

سلام بر تو ای بقیه الله در زمین خدا!

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ)

سلام بر تو، ای میثاق و پیمان خدا، آن میثاقی که خداوند از جان و فطرت بندگان گرفت و آن را محکم نمود.

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ)

سلام بر تو ای وعده ی خدایی که خداوند آن وعده را تضمین کرده!

بهترین نظر، نظری است که بر ذخیره ی عالم امکان، واسطه ی فیضِ حضرت حق و حامل ولایت تامه ی الهی، بیفتد و بتوان همواره در ذیل سایه ی مبارک و حریم درگاه آن حضرت به سر بُرد، به گفته ی حافظ:

وگر کمین بگشاید غمی ز گوشه ی دل



حریم در گه پیر مغان پناهت بس

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ عَجَلَ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ غَيْبَهُ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ» (1) برای قائم قبل از آن که قیام کند غیبتی است. زُراره می پرسد: فدایت شوم اگر به آن دوران رسیدم چه کنم؟ حضرت فرمودند: این دعا را بخوانید: «اللَّهُمَّ

ص: 9

1- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 431.

عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبَّكَ يَا اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَأَنْتَ أَنْ لَمْ

تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (1) خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی حجتت را نخواهم شناخت و اگر حجت خود را به من شناسانی در دینم گمراه خواهم شد.

در دعای فوق به خدا عرض می کنی اگر خودت را به من شناسانی از آن جایی که باید بوی تو را در پیامبرت بیابم، پیامبرت را هم نخواهم شناخت. باز عرضه می داری حجتت را به من بشناسان، چون نور وجود غیبی ترین مرتبه ی عالم وجود یعنی مقام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بالاتر از آن است که با عقل و فکر عادی بتوان به آن نزدیک شد و از نور آن حضرت بهره مند گشت. هر انسان بصیری متوجه است که موضوع شناخت حجت الهی بالاتر از آن است که خودش به تنهایی بتواند آن راه را طی کند، لذا از طریق



دعا از خدا می خواهد در ظلمات آخرالزمان نظرش را بر نور وجود حضرت حجت بیندازد و در ذیل سایه ی مبارک ایشان به سر برد.

لطف خدا در شناخت حجت الهی

وقتی متوجه شدیم حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقامی هستند که دل ها برای درک انوار آن حضرت باید آماده شوند در آن صورت نهایت تلاش

ص: 10

1- غیبت نعمانی، ص 166.

را انجام می دهیم تا خدا لطف کند و آن حضرت را به ما بشناساند تا معلوم شود نور وجود آن حضرت بسیار بالاتر از آن چیزی است که خودمان با فکر بتوانیم به آن برسیم. این موضوع نه تنها یک موضوع ضد عقلی نیست بلکه ماوراء آن مفاهیمی است که الفاظ بتوانند آن را توصیف کنند، به همین جهت حضرت صادق علیه السلام توصیه می فرمایند: از خدا بخواهید تا در راستای شناساندن خودش و پیامبرش، حجت خود را نیز به شما معرفی کند.

باید این آمادگی در ما پیدا شود تا نور حجت الهی بر جان ما تجلی نماید به طوری که حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ»⁽¹⁾ چون قائم ما قیام کند، میان مردم و او پیکی واسطه نیست، او سخن می گوید و همه می شنوند و او را در همان جایی که هست می بینند. این روایت نشان می دهد همیشه حضرت در چنین شرایطی هستند که با تجلی وجود خود، قلب انسان



ها را با دستور خدا منور می کنند، باید انسان ها آمادگی لازم را پیدا کنند تا تحت تاثیر دستورات نورانی حضرت قرار گیرند.

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآنی با آن همه عظمت به صورت معجزه نیاورده بود ما نمی توانستیم ایشان را به عنوان کسی که از طرف خدا مبعوث شده بشناسیم. خداوند چنین لطفی به ما دارد که علاوه بر شناساندن خود، پیامبرش را نیز به ما بشناساند. اگر خداوند فقط به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی می کرد و حضرت می فرمودند: من پیامبر خدا هستم، چگونه ما مطمئن

ص: 11

1- الکافی، ج 8، ص 241.

می شدیم او پیامبر خدا است؟ صرف این که آن حضرت انسان راستگو و درستکاری بودند برای اثبات نبوتشان کافی نیست. به فرمایش علامه طباطبایی «رحمه الله علیه» برای اثبات نبوت حتماً معجزه نیاز است، حتی اگر عقل هم قانع شود که باید آن شخص پیامبر باشد کافی نیست مگر این که معجزه ای به میان آید تا معلوم شود آن پیامبر چیزی با خود آورده که در حدّ توانایی هیچ بشری نیست. لذا ملاحظه می کنید قرآن معجزه ی عظیمی است. هندسه ی کلمات و آهنگ خاص و محتوای عجیب قرآن، همه حکایت از آن دارد که محال است بشریت بتواند چنین کاری را انجام دهد. همچنان که عصای موسی علیه السلام به این معنی معجزه است.



همان طور که خداوند کمک می کند تا ما پیامبر را بشناسیم، کمک می نماید تا حجت و ولیّ او را بشناسیم. زیرا اگر حجت خدا را نشناسیم به کلی از مسیر دینداری منحرف می شویم همانگونه که با غفلت از مقام علی علیه السلام در صدر اسلام عده ای دچار انحراف شدند. باید از خود پرسید این چه نگاهی است که اگر انسان چنین نگاهی به حجت خدا نداشته باشد، نه قرآن به کارش می آید و نه معرفت خدا و نه معرفت نبی؟ با این که معرفت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضروری است ولی امام می فرمایند: به خدا بگو اگر حجت را به من شناسانی به انحراف می افتم و مقصد اصلی خود را گم می کنم. پس اولاً: باید نسبت به شناخت امامان جدی باشیم. ثانیاً: باید آمادگی داشته باشیم تا لطف بزرگی از طرف خدا به ما برسد و بتوانیم امام زمان مان را بشناسیم. این بزرگ ترین لطف خدا است و موجب

ص: 12

می شود تا جهت اصلی شخصیت انسان شکل بگیرد و به زندگی و مرگ جاهلیت گرفتار نگردد.

وقتی روشن شد شناخت حجت خدا چه برکاتی به همراه دارد، باید خود را آماده کنیم تا خداوند خودش آن حضرت را به ما بشناساند. یکی از معانی «انتظار» برای فرج، فرج شناختن حجت خدا است و تا چنین فرج فردی تحقق نیابد، شرایط تحقق فرج عمومی فراهم نمی شود. حضرت سجاد علیه السلام می فرمایند: «أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ»⁽¹⁾ انتظار فرج از بزرگترین فرج ها است. فرصت زیادی نیاز است تا مبنای معرفتی این روایت مورد بحث قرار گیرد ولی آنچه فعلاً مورد نظر است توجه به این نکته است که نقش انتظار فرج چه اندازه است، می فرمایند: بالاترین پیروزی را در نفسِ انتظاری جستجو کن که از خدا می



خواهی حجت خود را به تو بشناساند که در نتیجه ی چنین شناختی مقام حضرت در عالم و نحوه ی «حضور خاص» ایشان روشن می شود، چون حضرت علاوه بر «حضور عام»، دارای حضوری خاص هستند که برای منتظرانشان محقق می گردد.

وارد شدن در عالم انتظار موجب تجلی حضور خاص بر قلب انسان منتظر می شود تا حجت خدا را بشناسد و از عالم ماده بالاتر رود. اگر نظر به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جدی نگیریم وقتی ظهور عام آن حضرت واقع شود معلوم نیست چیزی به ما برسد، همین طور که بعضی ها با ظهور آخرین پیامبر چیزی به دست نیاوردند زیرا همچون سلمان نبودند که منتظر آمدن

ص: 13

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 320.

حضرت باشند و معنی جهان را طوری نفهمیدند که متوجه شوند وجود چنین پیامبری ضروری است.

پس باید بعد از معرفت به جایگاه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف با تمام وجود نظرها را به ظهور او انداخت. اگر کسی نفهمد این جهان در بلوغ خود به ظهور حجت الهی می رسد معنی زندگی در زمین را نفهمیده. چنین شخصی نه می تواند منتظر باشد و نه وقتی حضرت ظهور کنند، می تواند با آن حضرت ارتباط برقرار نماید.

ظهور خاص حضرت، نوری است از انوار الهی که به تجلی رحمانی بر قلب سالکان مقید به شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم تابانده می شود. گفت:



هرچه

روی دلت مصفاتر

زو

تجلی تو را مهیاتر

با تجلی نور خاص حضرت، جان انسان معنی جایگاه حضرت در عالم را می چشد و مسلم هر کس از آن نور بهتر چشانیده شد بهتر او را می شناسد و در همین رابطه عرفا فرموده اند: «مَنْ لَمْ يَذُقْ لَمْ يَعْرِفْ»⁽¹⁾ آن کس که نچشد نخواهد شناخت. آن کس که نور تجلی خاص حضرت را چشید با تمام اشتیاق طالب ظهور عالم حضرت خواهد بود تا تمام عالم را منور به نور حضرت بنگرد.

شناخت ظهور خاص؛ مقدمه ی ظهور عام

اگر انسان از طریق ظهور خاص به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفت پیدا کرد وقتی ظهور عام حضرت واقع شود به خوبی ایشان را می شناسد و از وجود آن حضرت

ص: 14

1- شرح فصوص خوارزمی، ج 2، ص 653 (فَصَّ حَكْمَهُ قَدَرِيه فِي كَلِمَةِ عَزِيرِيه)

بهره مند می شود و حتی چنانچه ظهور عام حضرت در زمان حیات شما واقع نشود تمام نتایج آن ظهور برای شما محقق می شود به طوری که راوی از حضرت صادق علیه السلام



می پرسد چه می فرمائید درباره ی کسی که در حال انتظار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بمیرد؟ حضرت فرمودند: «هُوَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ، ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (1) مقام او مانند مقام کسی است که در خیمه ی حضرت قائم باشد، سپس کمی تأمل کرده و فرمودند: مانند کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

وقتی توحید خدا را شناختیم و متوجه شدیم معنی توحید یعنی نفی غیر خدا، به خوبی متوجه می شویم سیر عالم به سوی ظهور هر چه بیشتر توحید است و لازمه ی آن ظهور، حاکمیت انسان موحد کامل است که نه تنها در درون نفس خود در مقام توحید محض مستقر است، از بیرون نیز به حاکمیت توحید مبادرت می ورزد. عمده آن است که متوجه حضور توحید الهی در عالم باشیم و به نحوه های متفاوت ظهور آن توحید نظر کنیم، که گفت:

دیده

آن باید که باشد شه شناس

تا

شناسد شاه را در هر لباس

مسلم شاه هستی یعنی خدا در لباس ولی مطلق، یعنی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولایت مطلق خود را به نمایش می گذارد تا توحید در عالم ارض نیز به صورت کامل ظهور کند و زمین به بلوغ خود برسد. محال است کسی خدا شناس باشد و منتظر حجت خدا به عنوان موحد کامل که

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 125.

حامل اعمال و لایت مطلق خداوند در آخر الزمان است، نباشد و محال است جایگاه نوری و آسمانی امام را بفهمد و وجود مقدس امام علیه السلام را در همه ی عالم، انگشت اشاره به حضرت حق نبیند. این دو یعنی توحید خدا و ظهور توحید در عالم از یک طرف و پیاده شدن آن در عالم توسط موحدی کامل از طرف دیگر به هم ربط دارد. آن کس که ظهور توحید حق را می خواهد حتماً به دنبال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و آن که امام را یافت، حتماً منتظر ظهور او در عالم است، چون می داند حق باید به طور کامل در صحنه ی هستی حاکم شود و در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عالم ظهور نماید.

تأکید ما این است که ابتدا باید اعتقادمان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام درست باشد تا معنی حاکمیت احکام الهی در عالم روشن گردد و گرنه همان طور که خیلی ها در صدر اسلام، وقتی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روبه رو شدند آن حضرت را به عنوان پیامبر خدا پذیرفتند ولی چون عمق توحیدی دین را درک نکردند ندانستند چگونه باید راه و رسم توحیدی زندگی کردن را ادامه دهند، ما هم وقتی متوجه حضور توحید در عالم نباشیم چگونه منتظر بمانیم تا حقیقت توحید توسط انسانی کامل ظهور کند؟ غفلت از حضور توحیدی حق موجب می شود تا عملاً نتوانیم منتظر بمانیم تا حق در همه ی مناسبات بشر حاکم شود. تا انسان به درجه ای از شعور توحیدی ناب نرسد در زمره ی منتظران قرار نمی گیرد، به همین جهت حضرت سجاد علیه السلام در وصف منتظران امام دوازدهم علیه السلام



می فرمایند: آن هایی که در زمان غیبت او قائل به امامت او و منتظر ظهور اویند، برترین مردم همه ی زمان هایند، چون

ص: 16

خداوند به آن ها شعور و فهمی می دهد که غیبت او نزد آن ها همانند مشاهده ی اوست و خداوند این ها را در آن زمان همانند مجاهدان در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار می دهد، این ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و دعوت گران به سوی دین خدا در نهان و آشکار هستند. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: ای علی! بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آن ها از روی یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان خواهند بود، پیامبر را ندیده اند و از امام نیز محجوبند، اما به سواد ی که بر بیاضی نوشته شده ایمان دارند. (2)

این که چنین انسان هایی انتظار فرج را موضوعی مهم و مؤثر و سازنده می دانند به جهت آن شعور توحیدی نابی است که دارند و نه تنها متوجه آینده ای متعالی برای عالم بلکه متوجه وجود حقیقتی بزرگ در عالم هستند و آن حقیقت بزرگ عبارت از آن است که غیبی ترین گوهر در عالم هستی، در آخر الزمان ظهور می کند. رسیدن به چنین معرفتی بصیرتی خاص به انسان می بخشد.

ظهور غیبی ترین گوهر



یک قاعده ی عقلی می گوید: «النهایات هی الرجوع الی البدایات» (3) یعنی آنچه در انتها در عالم خارج ظاهر می شود، برگشتش به آن ابتدائی است که در عالم علمی و غیبی بوده. مثل این که آنچه در انتها به صورت

ص: 17

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 122.

2- کمال الدین، ج 1، ص 538، باب 25، ح 8.

3- شرح بر زادالمسافر، سید جلال الدین آشتیانی، ص 63.

یک صندلی کامل با آن روبه رو می شوید مطابق است با صورت ذهنی و علمی سازنده ی آن که در ابتدا در ذهن خود داشت و بر اساس آن صورت ذهنی و علمی، صندلی را طراحی کرد و با تهیه ی اجزاء صندلی و اتصال آن اجزاء، صندلی را ساخت. در حین ساختن ممکن است چهار پایه اش را ساخته باشد ولی هنوز آن صندلی که در ذهن و در علم خود داشت به وجود نیامده باشد مگر در آخر و نهایت. پس در واقع نهایت هر چیزی برگشت دارد به ابتدای آن چیز، منتها یک طرف آن چیز جنبه ی علمی و ذهنی و غیبی آن است و یک طرف دیگر آن جنبه ی عینی و خارجی آن می باشد. حال با توجه به این قاعده یک نبوت در عالم خارج داریم که شروعش از حضرت آدم علیه السلام است و ختمش به محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، از طرفی چون مقام نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نهایت نبوت است طبق آن قاعده باید به نبوتی در عالم غیب ربط داشته باشد که فوق نبوت های موجود در عالم عین و خارج است تا آنچه در عالم خارج در نهایت موجود شد برگشت کند به آنچه در ابتدا در عالم غیب موجود بود. در همین رابطه رسول



خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «کُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»⁽¹⁾ من پیامبر بودم در حالی که آدم هنوز بین آب و گل بود و به دنیا نیامده بود. حضرت در این روایت به مقام غیبی نبوت خود اشاره دارند. زیرا آن مرحله ی نبوت که از نظر غیبی اول است، از نظر عینی آخر خواهد بود. آری! آدم علیه السلام در عالم عین و خارج اولین نبی است ولی اولین نبی در

ص: 18

1- بحار الأنوار، ج 65، ص 27.

عالم غیب که کامل ترین نبوت است، مربوط به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و مسلّم آن نبوت در عالم عین و خارج آخرین خواهد بود.

ولایت؛ باطن نبوت

علمای اسلامی بحثی را مطرح می کنند مبنی بر این که «ولایت باطن نبوت است»⁽¹⁾ به این معنی که هر پیامبری ابتدا ولی است و سپس به

ص: 19

1- به تقریرات فلسفه از امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» ج 2، ص 247 مراجعه شود. مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی در شرح دعای سحر از حضرت امام می نویسد: امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» از شیخ عارف کامل خود مرحوم حاج شیخ محمد علی شاه آبادی نقل می کند که او گفته است: «ان السالك بقدم المعرفة اذا تم سفره الثالث یری بهویته



الجمعیه فی جمیع مراتب الموجودات و یری بعین البصیره جمیع مصالح العباد من امور المبدأ و المعاد و ما یقربهم إلیه و یبعدهم عنه و الطرق إلی الله، و له التشریح فی هذا المقام، و كان هذا المقام حاصلًا لمولانا قطب الموحدين أمير المؤمنين و الائمة المعصومین من بعده، و لكن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لما تقدم عليهم زمانا و كان صاحب المقام أظهر الشریعه، فلم یبق مجال التشریح لأحد لتمامیه شریعته فلا بُدَّ للأولیاء الذین من بعده من متابعتیه. و لو فرضنا تقدم أمير المؤمنين علیه السلام لكان له أن یظهر أمر الرساله و لرسول الله تبعیتیه اذا جاء بعده، و لكن الحججه البالغه اقتضت بأن یكون صاحب الشریعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» هنگامی که سالک إلی الله در سیر خود با قدم معرفت، سفر سوم را به پایان رساند با هویت جمعی خود که در همه ی مراتب موجود است همه ی امور بندگان را از مبدأ و معاد و آنچه باعث تقرب آنان به خداست و دوری آنان از اوست و همه ی راه های خدایی را مشاهده می کند، و در این مقام است که از برای او حقّ تشریح هست. و این مقام از برای قطب الموحدين مولا امیر المؤمنین و ائمه ی معصومین علیهم السلام حاصل بود ولی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حصول این مقام از نظر زمانی پیشتر بود این حق به آن حضرت اختصاص یافت و اظهار تشریح کرد و دیگر مجالی از برای اولیاء خدا که بعد از او بودند برای تشریح باقی نماند، بلکه وظیفه ی آنان تبعیت از تشریح آن حضرت بود، و اگر فرضاً چنین اتفاق می افتاد که امیر المؤمنین علیه السلام تقدم زمانی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم داشت و یا هر یک از ائمه ی دین را بر آن حضرت تقدم زمانی بود این حقّ تشریح متعلق به متقدم بود و متأخر می بایست از او تبعیت نماید، ولی حجت بالغه ی الهی چنین اقتضا کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صاحب شریعت باشد.



پیامبری خدا مبعوث می شود، زیرا مقام ولایت، مقام قرب و اتحاد خاص بین عبد با رب است، از طرفی وقتی متوجه باشید آن پیامبری که در موطن غیبی، اول بود در موطن عالم شهود، آخر است، آن بعد از این نبی یعنی ولایت که باطن اوست در آخرین مرحله از سیر کمالی شریعت ظهور می یابد به این معنی که طبق قاعده ی «النَّهَایَاتِ هِیَ الرَّجُوعُ الِی الْبَدَایَاتِ» وقتی کامل ترین جلوه های اسلام بنا است ظهور کند آنچه در باطن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود یعنی «ولایت» در آخرین مرحله در عالم خارج، ظهور پیدا می کند. و در آن زمان غیبی ترین بُعد وجودی پیامبر اسلام یعنی ولایت، ظهور خارجی می یابد. حتماً این روایت را شنیده اید که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو انگشت مبارک شان را پهلوی هم گذاشتند و فرمودند: «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِنِّي إِنَّمَا بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةَ كَهَاتَيْنِ» (1) ای مردم! بعثت من و قیامت از نظر فاصله مثل فاصله ی این دو انگشت است. یعنی همین که من آمدم آخرالزمان که مقدمه قیامت است، شروع شد. پس آن پیامبری که در عالم غیب ابتدا بود چون ظهور کرد نهایت پیامبری ظهور کرده دیگر پیامبری بعد از او نیست و از این به بعد، زمان ظهور بُعد غیبی آخرین پیامبر است که همان ولایت تامه است. و لذا آن بُعدی از نبوت که در سایر انبیاء به صورت سِرِّی بود در مورد آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صورت آشکارا در

ص: 20

1- أمالی المفید، ص 188.

جمال علی علیه السلام ظاهر می شود، به طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه می فرمایند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ صَاحِبٌ سِرٌّ وَ صَاحِبٌ سِرِّی عَلَیَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ» (1) برای



هر پیامبری صاحب سری هست و صاحب سر من علی بن ابی طالب می باشد. و نیز از حضرت امیر علیه السلام هست که فرمودند: «كُنْتُ مَعَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ سِرًّا وَمَعَ الْخَاتَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جَهْرًا» (2) من با همه ی انبیاء به صورت باطنی و با خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم به صورت آشکارا هستم. همچنان که از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم روایات شده: «بَعَثَ عَلِيٌّ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ سِرًّا وَمَعِيَ جَهْرًا» (3) علی با هر پیامبری به صورت باطنی برانگیخته شد و با من به صورت ظاهر.

آخر الزمان و ظهور باطن آخرین نبی

زمان بعثت آخرین نبی، با زمان ظهور باطن او یعنی ولایت، همراه است. این ولایت در ابتدا دارای وجود غیبی بود و هم اکنون ظهور آن شروع شده و هر روز این باطن، ظاهرتر می شود. همان طور که «نبوت» کسی که در ابتدا به عنوان حقیقت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در عالم غیب بود در آخر ظهور کرد و نبوت، به کامل ترین شکل ظاهر شد، در مورد ولایت نیز آنچه در ابتدای نبوت آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر شد همچنان ادامه می یابد تا در آخرین مرحله ی کمال شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در جمال حضرت

ص: 21

-
- 1- ینابیع الموده، ص 235، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج 4، ص 226.
 - 2- ینابیع الموده، ص 235- امام خمینی «رضوان الله علیه»، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 247.
 - 3- کلمات مکنونه، ص 186 و جامع الأسرار، ص 382 و 401.



مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کامل ترین شکل ظهور کند و این است معنی ظهور غیبی ترین بُعد هستی در آخرالزمان از طریق وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ملاحظه فرمودید که ظهور ولایت از علی بن ابیطالب علیه السلام شروع شد و همچنان ادامه می یابد تا ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عَلِيٌّ نَفْسِي» (1) علی جان و نفس من است، آن نفس در عین آن که در باطن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، به جلوه ی علی علیه السلام ظاهر می شود، همان طور که خداوند در معراج با زبان و صوت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن گفت. چون نفس هر کس در آن شرایط باطنی، ظهور می یابد و لذا حضرت حق برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با زبان و صوت باطن آن حضرت یعنی علی علیه السلام سخن می گوید. یکی از اصحاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد با چه لغتی پروردگار شما در شب معراج با شما سخن گفت؟ فرمودند: «خاطَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَلْهَمَنِي» با لغت علی به من خطاب کرد و الهام فرمود تا این که من عرض کردم پروردگارا! تو با من سخن می گویی یا علی؟ فرمود: ای احمد من چیزی چون اشیاء نیستم و با مردم و اشیاء قیاس نمی شوم. تو را از نور خود خلق کردم و علی را از نور تو و او را بر باطن قلب تو تابانیدم و در قلب تو کسی را دوست داشتنی تر از علی بن ابی طالب نیافتم پس با زبان او با تو سخن گفتم تا قلب تو را آرامش بخشم. (2) همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جریان مباحثه با مسیحیان نجران آنجایی که خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: بگو بیایید فرزندان و زنان و نفس های



1- الاربعون حدیثنا، شهید اول، ص 73.

2- بحار الأنوار، ج 18، ص 386، نقل از مناقب خوارزمی.

خود را بخوانیم و سپس به دروغ گویان لعنت کنیم، (1) در ازاء نفس خود، علی علیه السلام را آوردند تا معلوم شود امیرالمؤمنین علیه السلام به جهت مقام ولایت، جان پیامبر یعنی باطن نبوت است.

اَئمه عليهم السلام منتظرِ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وقتی روشن شد ولایت به عنوان جنبه ی باطنی نبوت با علی علیه السلام ظهور یافت و با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهایت خود به کمال می رسد معلوم می گردد چرا امام صادق علیه السلام عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و می فرمایند: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» (2) اگر مهدی را درک کنم تمام عمر در خدمت او قرار می گیرم. امام صادق علیه السلام، جنبه ی نهایی ولایت خود را در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دیدند. گریه می کنند که آیا می شود چشم من به جمال فرزندم مهدی، روشن بشود! (3)

امام حسین علیه السلام نقل می فرمایند: «مردی نزد

ص: 23

1- سوره ی آل عمران، آیه ی 61.

2- بحار الانوار، ج 51، ص 148- غیبت نعمانی، ص 245، ح 23.



3- حضرت صادق علیه السلام در نیايش با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین اظهار می دارند: «سَيِّدِي غَيْبَتِكَ نَفْتٌ رُقَادِي وَ ضَيْقَتٌ عَلَيَّ مَهَادِي وَ ابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَهُ فُوَادِي سَيِّدِي غَيْبَتِكَ اَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْاَبَدِ وَ فَقَدْتُ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعَ وَ الْعَدَدَ فَمَا اُحْسُ بِدَمْعِهِ تَرْقِي مِنْ عَيْنِي وَ اَنْبِي يَفْتُرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَايَا اِلَّا مَثَلٌ بَعَيْنِي عَنْ غَوَابِرِ اَعْظَمِهَا وَ اَفْضَعِهَا وَ بَوَاقِي اَشْدَّهَا وَ اَنْكَرِهَا وَ نَوَائِبَ مَخْلُوطَهُ بِغَضَبِكَ وَ نَوَازِلَ مَعْجُونَهُ بِسَخَطِكَ» (كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 353) ای آقای من! غیبت تو خواب از دید گانم ربوده و بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده، و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و شمار را نابود کرده است، من دیگر احساس نمی کنم اشکی را که از دید گانم بر گریبانم روان است و ناله ای را که از مصائب و بلاهای گذشته از سینه ام سر می کشد، جز آنچه را که در برابر دید گانم مجسم است و از همه ی گرفتاری ها بزرگ تر و جانگداز تر و سخت تر و ناآشنا تر است، ناملايماتی که با غضب تو در آمیخته و مصائبی که با خشم تو عجین شده است.

پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. حضرت وقتی صفات او را ذکر کرد با حالتی سرشار از عشق و شیدایی آهی کشید و از شدت اشتیاقی که به ایشان داشت؛ «أَوْماً بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقاً إِلَى رُؤْيَيْتِهِ» به سینه ی خود اشاره فرمود و گفت: وه که چه مشتاق دیدارش هستم». (1)

این روایت خبر از آن دارد که ائمه علیهم السلام حقیقتی دارند که به عنوان باطن نبوت باید به طور کامل ظهور کند و هنوز زمینه ی ظهور کامل آن حقیقت فراهم نشده است و لذا



خود ائمه علیهم السلام هم منتظر ظهور و مشتاق آن حقیقت باطنی هستند که در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طوری حقایق را می نمایاند که هیچ چیز در حجاب نمی ماند و لذا در روایت داریم حضرت در هیچ امری کوتاه نمی آیند. در جواب نامه ی اسحاق بن یعقوب که توسط محمد بن عثمان عمری به آن حضرت رسید، نوشتند: «وَأَمَّا عَلَيْهِ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلْ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (2) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيهِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غِيَّبَهَا عَنِ الْبَصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ

ص: 24

1- غیبت نعمانی، ص 212، ح 1.

2- سوره ی مائده، آیه ی 110.

الأرضِ كما أن النجوم أمانٌ لأهل السماء فأغلقوا أبواب السؤال عما لا يعينكم ولا تتكلفوا على ما قد كُفيتُمْ وأكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم» (1) و اما علت آن که غیبت واقع شده بر اساس همان فرمایش پروردگار است که فرمود: «ای مؤمنان! چیزی را نپرسید که اگر برای شما روشن شود ناراحت می شوید». و حال قضیه از این قرار است که هیچ یک از پدران من نبودند مگر آن که بیعتی از طاغوتِ زمانشان بر گردنشان بود و من در شرایطی خروج می کنم که بیعت هیچ طاغوتی بر عهده ام نیست، پس شما با دعایی که جهت فرج می کنید آن شرایط را فراهم نمایید که فرج شما به آن دعاها و آن شرایط است.



ابی سعید عقیصا می گوید: چون حسن بن علی «علیهما السلام» با معاویه مصالحه کرد، مردم به نزد او آمدند و برخی از آن ها امام را به واسطه ی بیعتش مورد سرزنش قرار دادند. پس حضرت فرمودند: «وای بر شما! می دانید چه کردم؟ به خدا سوگند! این عمل برای شیعیانم از آن چه آفتاب بر آن بتابد و غروب کند بهتر است، آیا نمی دانید من امام مفترض الطاعه بر شما هستم و به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سروران بهشتم؟ گفتند: آری ... فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعُهُ لَطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَهُ...» آیا می دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آن که بیعت طاغوت زمانش بر گردن او است مگر قائمی که روح الله، عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند

ص: 25

1- بحار الانوار، ج 52، ص 92.

ولادت او را مخفی سازد و شخص او نهان شود تا آن گاه که خروج کند، پس بیعت احدی بر گردن او نباشد، او نهمین از فرزندان حسین است و فرزند سرور کنیزان. خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی گرداند...» (1)

به این معنی است که عرض شد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طوری حقایق را می نمایاند که هیچ حجابی در مقابل او مانع جلوه ی حقیقت نیست، و بر این اساس تأکید می کنیم ظهور تام ولایت مربوط به آخرین قسمت از باطن نبوت است.

تمامیت جبهه ی سعداء و اشقیاء



با ظهور آخرین ولی خدا که تام الولایه است، همه ی ابعاد ولایت و همه ی ابعاد باطن نبوت در جمال پر جلال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود و زمانه به انتهای کمال خود می رسد و از این جهت آخرالزمان به تمام معنی واقع می گردد. چون آخرالزمان یک شروع و یک انتها دارد. شروعش با آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و انتهایش با آخرین ولی واقع می شود تا همه ی آنچه غایب است و امکان ظهور دارد در دنیا ظاهر شود. از آن به بعد دنیا، دنیایی است که جنبه ی غیبی آن بر جنبه ی مادی آن غلبه دارد و دروازه های قیامت بر روی بشر گشوده می شود، به همین جهت ظهور حضرت یکی از «اَشْرَاطُ السَّاعَةِ» یعنی شرایط تحقق قیامت است و همان طور که در قیامت کفار از مؤمنین جدا می شوند و ندا می آید: «وَ

ص: 26

1- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج 1، باب 29، ص 316، ح 2.

أَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» (1) ای مجرمان از مؤمنان جدا شوید. (2)

در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا حدی عالم به صورتی که آیه ترسیم می کند در می آید و اشقیاء به طور کلی در یک طرف و اصفیاء و سعداء در طرف دیگر و در جبهه ی دیگری هستند و امکان ادامه ی زندگی منافقانه از بین می رود. امام صادق علیه السلام می فرمایند: امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ، همه ی کسانی را که در مقابل شان بودند به قتل نمی رساندند. راوی از امام می پرسد: نمی توانستند؟ می فرمایند: می توانستند. می گوید پس چرا نمی کشتند؟ می فرمایند: چون گنج های پنهان آشکار نشده بود. یعنی در باطن و صلب این افرادی که مقابل امام بودند، آدم های خوبی بودند که هنوز



متولد نشده بودند همچنان که همه ی آدم های شقی هم ظاهر نشده بودند. می فرمایند:
 فرزندم مهدی است که نه توبه می پذیرد و نه رَحْم می کند. چون کسی که در مقام امام
 زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است تماماً در کفر به سر می برد و به فرمایش امام صادق
 علیه السلام همه ی گنج ها ظاهر شده و سُعداء در یک طرف و اشقیاء در طرف دیگر قرار
 می گیرند. (3)

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: آن که منتظرش هستید ظاهر نمی شود مگر پس از آن
 که از همه مأیوس شوید و آن که منتظرش هستید ظاهر نمی شود تا آن که شقی در شقاوتش
 و سعید در سعادتش تثبیت گردد. «وَلَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ

ص: 27

1- سوره ی یس، آیه ی 59.

- 2- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق ده چیز را قبل از قیامت برمی شمارند که یکی
 از آن ها «خروج القائم» است. (بحار الأنوار، ج 52، ص 209)
- 3- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج 2، ص 642.

أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا هَيْهَاتَ وَلَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَلَا يَكُونُ
 الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُغْرَبَلُوا وَلَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَ
 لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى يَشَقَّى مِنْ شَقِيٍّ وَيَسْعَدَ مِنْ سَعِدٍ». (1)

آنچه گردن های خود را به سویس می کشید و منتظر آن هستید واقع نخواهد شد تا این که
 پاکسازی شوید و آنچه گردن های خویش را به سوی آن می کشید واقع نمی گردد تا این



که باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آنچه گردن های خود را به سویس می کشید واقع نخواهد شد تا این که غربال شوید و آنچه گردن های خویش را به جانب آن می کشید واقع نخواهد شد مگر پس از نومیدی و آنچه به جانبش گردن های خود را می کشید واقع نخواهد شد تا کسی که اهل شقی است به شقاوت و آن که اهل سعادت است به سعادت رسد.

زمان به انتها می رسد

با توجه به این که ولایت، باطن نبوت است و با ظهور آخرین نبی، آخر الزمان شروع می شود، با ظهور آخرین ولی و ظهور تام ولایت، حجابی مثل «زمان فانی» که مانع ظهور کامل حقایق است از صحنه خارج می شود (2)

و مخلوقات از آن جهت که حجاب حق اند در میان نخواهند

ص: 28

1- الغیبه للنعمانی، ص 209.

2- زمان فانی، همان شرایطی است که انسان را گرفتار گذشته و آینده می کند و او را از حضور در «حال» خارج می کند و در همین رابطه است که امکان ظهور چهره ی کاملی از حقایق در زمان فانی ممکن نیست و همواره وجهی از آن ها نمایان است و بقیه ی وجوه آن ها با گذشت زمان از صحنه بیرون رفته و یا با احاله به آینده هنوز بروز ننموده است.

ماند و جنبه ی خلقی عالم به جنبه ی ملکوتی عالم تبدیل می شود، چون شرایط ظهور باطنی ترین غیب ها در میان است شرایطی که تا تحقق قیامت یک قدم بیشتر فاصله ندارد، قیامتی



که قرآن در وصف آن می فرماید: «وَالْأَمْرُ يُؤَمَّنُ لِلَّهِ» (1) در آن روز همه چیز در قبضه ی خداوند است و حق به کلی ظاهر گردد و هر گونه حجابی مرتفع شود. آخرالزمان دروازه ی ورود به چنین شرایطی است و به همین جهت به شرایطی که در قیامت واقع می شود بسیار نزدیک است. در قیامت زمان گذشته و آینده به صورتی که در دنیا هست موجود نیست، آن جا «يَوْمَ التَّلَاقِ» (2)

است و گذشته و آینده در آن جمع می شوند، آخرالزمان هم تا حدی از چنین شرایطی برخوردار است. هر اندازه زمانه از دنیا و ظلمت آن فاصله بگیرد، زمان رقیق تر می شود و گذران که خاصیت زمان است جای خود را به ثبات و بقاء می دهد، عالم تا حدی شبیه قلب عرفا می گردد که فوق گذشته و آینده، در «حال» مستقر است. صورت کامل چنین قلبی؛ قلب نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که حضرت در توصیف آن فرمودند: «الآنَ قِيَامَتِي قَائِمٌ» (3) هم اکنون قیامت من قائم است.

با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنقدر عالم شبیه قیامت می شود که حضرت با هر قومی با کتاب خود آن قوم صحبت می کند همچنان که قرآن در

ص: 29

1- سوره ی انفطار، آیه ی 19.

2- سوره ی غافر، آیه ی 15.

3- سعیدالدین سعید فرغانی، مشارق الدراری، مقدمه ی سیدجلال الدین آشتیانی، ص 40.



وصف قیامت می فرماید: «یَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَفْرُوْنَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيْلًا» (1) قیامت روزی است که هر گروهی را با امامشان فرا می خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به یمین او دهند آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود. تا این حد حق و باطل از هم متمایز می شود.

حالت غیبی آخر الزمان، مقدمه ی انتقال به عالم غیب قیامت

خداوند در وصف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطابق لوح حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبَهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ اَيُّوبَ سَيِّدِ اَوْلِيَائِي» (2) او دارای کمال موسی و درخشش عیسی و صبر ایوب و سرور اولیاء من می باشد. ملاحظه می فرمائید که تمام کمالات معنوی پیامبران خدا در امام مهدی علیه السلام ظاهر می شود. همچنان که خود حضرت چون ظهور کنند می فرمایند:

«يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ اَلَا وَ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَنْظُرَ اِلَى اَدَمَ وَ شَيْثَ فَهَا اَنَا ذَا اَدَمَ وَ شَيْثُ اَلَا وَ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَنْظُرَ اِلَى نُوحٍ وَ وَاكِدِهِ سَامٍ فَهَا اَنَا ذَا نُوحٍ وَ سَامُ اَلَا وَ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَنْظُرَ اِلَى اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ فَهَا اَنَا ذَا اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ اَلَا وَ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَنْظُرَ اِلَى مُوسَى وَ يُوْسَعَ فَهَا اَنَا ذَا مُوسَى وَ يُوْسَعَ اَلَا وَ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَنْظُرَ اِلَى عِيسَى

ص: 30

1- سوره ی اسراء، آیه ی 71.

2- الکافی، ج 1، ص 528.



و سَمِعُونَ فَهَذَا عِيسَى وَ سَمِعُونَ آلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» فَهَذَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» (1).

آیا ای اهل عالم! هر کس می خواهد آدم و شیث را ببیند بداند که من همان آدم و شیث هستم، هر کس می خواهد نوح و پسرش سام را ببیند بداند که من همان نوح و سام می باشم، هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم، هر کس می خواهد موسی و یوشع را ببیند بداند که من همان موسی و یوشع هستم، هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند بداند که من همان عیسی و شمعون هستم، هر کس می خواهد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را ببیند بداند که من همان محمد و علی هستم.

با دقت در این دو روایت متوجه می شویم همه ی ابعاد معنوی و غیبی عالم که در هر پیامبری به صورت مجزا هست، همه به شکل جامع و یک جا در آخرالزمان در جمال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود. حضرت ظرفیت ظهور همه ی کمالات را به تنهایی دارند تا زمینه ی انتقال دنیا به نشئه ی قیامت فراهم شود، نشئه ای که به جهت یوم الحشر بودن، ظرفیت جمع همه ی کمالات و همه ی انسان ها را یک جا دارد. لذا نباید در مورد خصوصیات آخرالزمان از این موضوع غفلت کرد و گرنه طوری آن را تصور نمی کنیم که بتوان روایات مربوط به آخرالزمان را تصدیق نمود.

ص: 31



جهان در حال آمادگی جدایی حق از باطل

انسان ها دارای دو نوع مرگ هستند، یکی مرگ طبیعی و دیگری مرگ غیر طبیعی، در مرگ غیر طبیعی، بدن طوری ناکارآمد می شود که نفس ناطقه دیگر نمی تواند آن را تدبیر کند، مثل این که انسان وقتی تصادف سختی بکند و بدن او متلاشی گردد نفس ناطقه ی او بدن او را ترک می کند، در این حالت نفس ناطقه به خودی خود - بدن را مثل مرگ طبیعی ترک نمی کند- ولی چون از طریق آن بدن و به صورت تکوینی نمی تواند به کمال مورد نظرش برسد، بدن را رها می کند. در حالی که در مرگ طبیعی، نفس ناطقه استفاده ی لازم را از بدن کرده و در نتیجه به طور طبیعی آن را رها می کند و به عالم غیب و قیامت منتقل می شود.

در موضوع به انتهارسیدن دنیا باید بدانیم دنیا مثل بدنی که تصادف می کند، به انتها نمی رسد بلکه شبیه بدنی است که روح به طور طبیعی آن را ترک می کند. در مرگ طبیعی نفس ناطقه آرام آرام آنچه بالقوه دارد را به فعلیت در می آورد - چه در جنبه ی انسانی و چه در جنبه ی حیوانی- و در نهایت بدن را ترک می کند. بر این اساس می توان گفت مرگ عبارت است از شرایطی که جنبه های غیبی انسان بر جنبه های جسمی و مادی او غلبه می کند و انسان بیشتر جنس غیب و قیامت می شود و پس از آن به عالم قیامت سیر می کند. در مورد دنیا و سیر آن به سوی قیامت نیز می توان همین شرایط را در نظر گرفت که دنیا با ظهور و غلبه ی جنبه های غیبی، آماده ی قیامتی شدن می گردد.



از آن جایی که در مرگ طبیعی، یا جنبه ی حیوانیت انسان ها کامل می شود و یا جنبه ی انسانیت آن ها. در آخر الزمان نیز «أَسْعَدُ السُّعْدَاءِ وَ أَشْقَى الْأَشْقِيَاءِ» هر دو ظهور می کنند و رو در روی هم می ایستند و هر کدام از افراد با جنبه ی به تکامل رسیده ی خود، در انسانیت و یا در حیوانیت در صحنه اند به طوری که بدترین آدم ها، و بهترین آدم ها به صحنه می آیند؛ به همین دلیل عده ای که در زندگی خود فرصت ظهور شخصیت خود را نداشته اند تا چهره ی نهایی خود را آشکار کنند و مایلند آن چهره را بنمایانند اجازه ی رجعت دارند، عده ای مأمور می شوند بر سر قبر مؤمنین بروند و به آن ها بگویند: «يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَ إِنْ تَشَأْ أَنْ تَقِمَ فِي كَرَامِهِ رَبِّكَ فَقُمْ» (1) ای فلانی! امام و صاحب تو ظهور کرده اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می خواهی نزد کرامت پروردگارت اقامت کنی، چنین کن. در روایت داریم که حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرُكَ مَحْضًا» (2) رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند. پس ملاحظه می فرمایید که هم در بین اشقیاء و هم در بین سعداء رجعت هست. به این معنی شاید بتوان گفت هم هیتلر برمی گردد چون متفقین مانع شدند تا همه ی نقشه هایش را عملی کند و هم امام خمینی «رضوان الله علیه» بنیانگذار انقلاب اسلامی برمی گردند تا دعای

ص: 33

1- الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج 3، ص 1166.

2- بحار الأنوار، ج 53، ص 39.



مردمی که می گفتند «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار» مستجاب شود. امام خمینی «رضوان الله علیه» در یک جا می فرماید حیف که این انقلاب 14 سال عقب افتاد! از این جمله معلوم است که خیلی حرف داشتند و حقایقی بر قلب ایشان متجلی شده بود که امکان ظهور نیافت.

یقین مردم آخرالزمان

از آن جایی که همه ی کمالات معنوی که در هر پیامبری بنا به شرایط زمان خودش، تا حدی ظهور کرده، در آخرالزمان و در امام مهدی علیه السلام ظهور می کند، پس باید مردمی در میدان باشند که ظرفیت فهم و درک و ارتباط با آن کمالات را داشته باشند و خودشان در آن وادی قدم زده باشند. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! بدان شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و بلند مرتبه ترین آن ها در یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان می آیند؛ پیامبر را ندیده اند و حجت خدا هم از دیده ی ایشان پنهان است اما فقط از طریق نوشته هایی که به دستشان رسیده ایمان آورده اند. حضرت سجاد علیه السلام در وصف منتظران امام دوازدهم علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ يَا مَمَتَهُ الْمُنتَظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَّكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتَنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ



الفرج» (1) آن هایی که در زمان غیبت او قائل به امامت او و منتظر ظهور اویند، برترین مردم همه ی زمان هایند، چون خداوند به آن ها شعور و فهمی می دهد که غیبت او نزد آن ها همانند مشاهده ی اوست و خداوند این ها را در آن زمان همانند مجاهدان در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار می دهد، این ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و دعوت گران به سوی دین خدا در نهان و آشکار هستند. به این دلیل منتظران حضرت باید بهترین آدم ها باشند چون آخرالزمان شرایطی است که باید به آن شرایط متعالی صعود کرد و به تعبیر روایت «الغیبه عندهم بمنزله المشاهده» (2) غیبت نزد آن ها همانند مشاهده است. همین طور که وقتی شما فهمیدید این جهان بدون حضور نبی و نبوت معنا نمی دهد و با توجه به یقینی که به وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارید به سیره و سخن او می نگرید و عمل می کنید و جلو می روید، به ظهور نهایی حضرت نیز همین طور می نگرید و امیدوارانه زندگی می کنید. به این جهت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: مردم آخرالزمان در بلندترین مرتبه از یقین هستند چون متوجه اند حتماً این جهان به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد رسید، و لذا طول انتظار، مسئله ی امید به ظهور حجت حق را برای آن ها منتفی نمی کند. در همین رابطه حضرت سجاد علیه السلام در قسمت آخر روایت فرمودند: انتظار فرج از بالاترین فرج ها و گشایش ها است. چون روح انسان را آنچنان گسترش می دهد که همه ی کمالات در او شکوفا می گردد.

ص: 35

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 122.

2- بحار الأنوار، ج 52، ص 122.



رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَ مَنْ وُلِدَهُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ الْقَوْلِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنْ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ» (1) علی بن ابی طالب امام امت من و جانشین من بر آن ها می باشد، قائم منتظر از فرزندان اوست که زمین را پس از ظلم و جور از عدل و داد پر خواهد کرد، به خداوندی که مرا براستی برانگیخت معتقدین به امامت وی در زمان غیبتش از کبریت احمر گران بهاتر هستند. می فرماید کسانی که در دوره ی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اعتقاد به او استوار هستند، از کبریت احمر نایاب تر و ارزشمندترند. به این معنی که منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار بلندمرتبه هستند چون کسانی که با سنت های جاری در عالم مرتبط باشند، می فهمند همان طور که این جهان بی پیامبر نمی شود بی امام زمان هم نمی شود؛ زیرا ولایت الهی مظهر می طلبد و در نتیجه نظر می کنند و مظهر آن ولایت را می یابند و در این مسیر هر اندازه حجاب های عقل و قلب خود را بهتر کنار بزنند بهتر او را حس می کنند و با حقیقت وجود او راحت تر انس می گیرند.

ابتدا باید با تمام وجود به این نکته رسید که هم اکنون ولی الله مطلق علیه السلام در مقام خود حاضر است، با عقل می توان متوجه وجود حضرت شد و با آمادگی قلبی می توان از دستگیری های آن حضرت بهره مند گشت و طالب ظهور کامل آن حضرت در همه ی عالم شد تا موعود موجود ما بر



کون و مکان ظهور یابند و دیگر موانعی که برای سایر ائمه علیهم السلام بود و امکان ظهور کامل حقیقت آن ها را نمی داد برطرف شود. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از همان ابتدا می دانستند زمانه ظرفیت ظهور حقایق اسلام را ندارد و دوازدهمین امام پس از غیبت طولانی ظهور می کند، خبر غیبت طولانی حضرت را دادند.

خطر انکار!

وظیفه ی هر انسانی است تا تلاش کند مقام امام را بشناسد و گرنه با تصورات غلطی که نسبت به امام پیدا می کند، منکر وجود حضرت می شود. منکران وجود امام تصورشان آن است که لازمه ی وجود امام آن است که آن حضرت در جلو آن ها باشند و ایشان را ببینند. این ها مقام حضرت را نمی شناسند و متوجه نیستند در آخرالزمان علاوه بر بدن، مقام حضرت است که ظهور می کند و عالم ظرفیت ظهور روحانیت امام را می یابد.

باید به این شعور رسید که جهان یک باطن مبارکی دارد که اگر امکان ظهور آن فراهم شود حضرت ظهور می کنند، همین طور که تن شما باطنی به نام «من» دارد و اگر سالم بود اراده های شما در تن ظهور می کند. جهان نیز باطنی موجود ولی غایب دارد و هر چه به آخرالزمان نزدیک شویم زمینه ی ظهور آن باطن فراهم تر می شود. به همین جهت ملاحظه می کنید که آخرالزمان جمع اضداد است و همین شرایط موجب ظهور حضرت می گردد، چون از یک طرف حجاب های ظلمانی همه جا را فرا می گیرد و



از طرف دیگر روح هایی در میدان می آیند که آمادگی عبور از آن همه حجاب را در خود پرورانده اند و زمینه ی اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود فراهم نموده اند و نشان داده اند دیگر هیچ دجالی یارای فریب آن ها و تنها گذاشتن امام را ندارد. این است راز ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از طرفی آدم ها آن چنان محجوب می شوند که به تمام کفر گرفتار می گردند و از طرف دیگر در دل این کفر روح هایی ظهور می کند که توان عبور از همه ی چهره های کفر را در خود پرورانده اند و برای عبور هرچه بیشتر از ظلمات کفر خود را نیازمند امامی می دانند که رهبری این حرکت بزرگ جهانی را به عهده گیرد و با چنین انتظاری از ظلمات زمانه فاصله می گیرند و به نور نزدیک می شوند. در رابطه با چنین روحیه و آمادگی است که حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: «مَا ضَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لَأَمْرِنَا إِلَّا يَمُوتَ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَعَسْكَرِهِ» (1) ضرر نکرده کسی که در حال انتظار امر ما رحلت کرده، از این که میان خیمه ی مهدی و لشکر او نمرده است. چون در طول زندگی، افق خود را در شرایط ظهور آن حضرت قرار داده است. همین که ملاحظه می کنید عده ای می فهمند امام زمان یعنی چه، زمینه ظهور هر روز، بیشتر از روز پیش فراهم می شود.

هرچه کفر و حجاب ظلمانی بیشتر می شود ضرورت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت رفع آن بیشتر معلوم می گردد و این که جهت رفع این ظلمات باید با جدیت کامل نظرها را به حضرت انداخت تا وقتی امام می آیند بتوان معنی راهنمایی هایشان را فهمید و جایگاه آن هایی را که



روبه روی ظهور عمیق ترین حقایق عالم می ایستند درست تشخیص داد. کسی که آمادگی ارتباط با غیب را ندارد و گرفتار کثرات زمانه شده، با ظهور حضرت به قدری احساس بیگانگی می کند که ناخودآگاه به دعوت دشمنان حضرت لبیک می گوید که نمونه ی آن را با ظهور حاکمیت فقیه ملاحظه کردید.

ما در زمانه ی خود متوجه شدیم در عین آن که بعضی ها به کلی نمی توانند بفهمند ولایت فقیه یعنی چه، برعکس، عده ای به خوبی جایگاه ولایت فقیه را در این دوران فهمیدند. شاید صد سال پیش بسیاری از مردم عادی ضرورت ظهور ولایت فقیه را نمی فهمیدند، چون ظلمات فرهنگ غربی به عنوان ظلمات آخرالزمان، چهره ی خود را نمایان نکرده بود ولی هرچه زمان گذشت زمینه ی رشد استعداد فهم ضرورت ولایت فقیه بیشتر پیدا شد و مردم متوجه شدند در این شرایط فقط دین می تواند نجات دهنده باشد و مردم را در مسیر تعالی فطری جلو ببرد. شرایط طوری شده که از یک طرف فرزنانگان به خوبی ولایت فقیه را می پذیرند و از طرف دیگر عده ای با تمام وجود به مقابله با آن برخاسته اند تا زندگی حیوانی خود را ادامه دهند و این نشانه ی آن است که زمانه محل ظهور جمع اضرار شده و بستری فراهم گشته که در آینده جبهه های حق و باطل هر روز بهتر از قبل از یکدیگر جدا گردند.

ص: 39

راز ادامه ی غیبت

با توجه به رویکرد هر چه مادی تر شدن جهان موجود، کسی که منتظر تجلی کامل انوار غیب است حتماً به وضع موجود «نه» می گوید. انسان منتظر آنقدر بصیرت دارد که تکنیک



و نظم و بهداشت فرهنگ غربی حجاب او نگردد و متوجه است رویکرد فرهنگ غربی به حجاب بردن عالم غیب است و نتیجه ی چنین فرهنگی آن است که باطنی ترین حقیقت غیبی یعنی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت می ماند، چون قداست ها از معنی فرو افتاده و این ظلمانی ترین حادثه ی تاریخ است که با شناخت آن، اولین قدم رجوع به امامت واقع خواهد شد. ولی اگر در عین رعایت آداب دینی نتوانیم به فرهنگ غربی «نه» بگوییم هرگز امکان رجوع به امامی که مقام او غیبی ترین مقام ها است، برایمان پیش نمی آید تا آن جا که ممکن است در اردوگاهی قرار بگیریم که آن اردوگاه مقابل حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، همچنان که بعضی از مقدس مآب ها با حضرت روح الله «رضوان الله علیه» به مقابله ایستادند و اصالت را به فرهنگ غربی دادند. (1)

انسان منتظر از یک طرف باید معنی ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان را بشناسد و بفهمد در آن شرایط چه چیزی ظهور می کند و چگونه زمانه امکان ارتباط با باطنی ترین بُعد هستی را پیدا می نماید و از طرف دیگر بفهمد ظلمات آخرالزمان چگونه و با چه هویتی می تواند انسان را از ارتباط با آن حقیقت غیبی محروم و به خود مشغول کند. به عبارت دیگر انسان

ص: 40

1- سخن امام خمینی «رضوان الله علیه» این است که: «خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه های علمیه کم نیست». (صحیفه ی امام، ج 21، ص 278)



منتظر باید وضع موجود و وضع مطلوب را عمیقاً بشناسد تا بتواند درست عمل کند و دنیای مدرن را با نگاه عبرت بنگرد و نه با نگاه حسرت. باید روشن شود چون ما از حضور در محضر حقایق غیبی چشم برداشتیم مظهر عمیق ترین ابعاد غیبی، غیبت خود را ادامه می دهد و تا چشم ها و نگاه ها و قلب ها خود را در محضر عالم غیب نبرد حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به ظهور نمی آیند. بسیار ضرورت دارد تا حضرت با آن شخصیت قدسی در عالم ظهور کنند و لذا باید عالم خود را به مرتبه ای سیر دهیم که امکان ظهور آن حقیقت غیبی فراهم شود، زیرا بنا نیست با ظهور آن حضرت دوباره همان شرایطی تکرار شود که پدران او با آن روبه رو بودند.

دنیایی که غیب را نمی شناسد هرگز جایگاه قداست ها را نخواهد شناخت تا روبه سوی آن عالم کند و شخصیت علمی حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» را زمینه ساز ظهور ولایت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیابد، آن قدر گرفتار حجاب ظلمات دوران و غلبه ی آن بر امور می باشد که منتظر است حضرت روح الله «رضوان الله علیه» به موزه ی تاریخ سپرده شود. این ها گرفتار روح شیطانِ دجالی هستند که با یک چشم همه چیز را می بیند، همان طور که دجال یک چشم دارد و بدون توجه به ابعاد غیبی عالم، یک بُعد از ابعاد عالم را می نگرد. (1)

مسلم کسی که کاستی ها و نقص های دجال را نشناسد گرفتار او می شود و از شرایط ظهور غیب چیزی درک نمی کند



1- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با دجال می فرمایند: «أَنَّهُ خَارِجٌ فِيمَكُمُ الْأَعْوَرُ الدَّجَالُ وَ أَنْ مَعَهُ جِبَالًا مِنْ خُبْزٍ تَسِيرُ مَعَهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ» بیرون خواهد آمد در میان شما دجال یک چشم و کوهی از غذا در همه جا با وی است. (کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج 2، ص 491)

و در این زمان، اصالت را به فرهنگ غرب می دهد، غافل از این که نور غیبی ولایت تامه در حال ظهور است تا همه ی غرب را به موزه بسپارد. این است تفاوت اساسی انسان منتظر با انسانی که از فرهنگ انتظار بیرون است و هرگز به انتظاری که به خودی خود فرج است دست نمی یابد.

چگونگی رهایی از دجال

«نه» گفتن به وضع موجود، وقتی ممکن است که اولاً: جایگاه تاریخی وضع موجود را نسبت به ظهور باطنی ترین بُعد هستی بشناسیم. ثانیاً: نسبت به جایگاه تاریخی وضع مطلوب، خود آگاهی کامل داشته باشیم و تحقق آن را با تمام وجود حس کنیم تا آن حدّ که به تعبیر امام صادق علیه السلام: «كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»⁽¹⁾ مانند کسی باشیم که در جبهه ی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن حضرت به سر می برد. در این صورت است که گرفتار فریب های دوران نخواهید شد. مگر جز این است که دجال غیب را پنهان می کند و ما را به ظواهر عالم محسوس مشغول می نماید؟ پس اگر کسی با حقایق غیبی آشنا باشد چگونه فریب پیشنهادهای یک بُعدی او را می خورد؟ و معنی شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها به معنی توجه به حقایق غیبی بلکه به معنی شناخت باطنی ترین ابعاد غیب می باشد و تنها از این طریق می توان از تردستی های دجال رها شد



و متوجه گشت دنیای موجود با همه ی جذابیت هایش به اندازه ی تری عطسه ی بزی ارزش نخواهد داشت و این شروع مبارکی است که با شناخت وضع موجود و حجابی که

ص: 42

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 131.

نسبت به غیب پدید آورده کلید می خورد و تعجب می کنیم چگونه بعضی ها ولایت کفر را به رسمیت می شناسند و از نظام ولایی که ولایت الهی را محقق می کند گریزانند. نظام ولایی، نظامی است که در آن نقش غیب عالم در همه ی روابط و ارزش ها غلبه دارد و همه ی نظرها به غیب است، ابزارهای دنیا در حدی ارزش دارند که حجاب عالم غیب نشوند و محبوب غایب ما را در غیب نگه ندارند.

با توجه به جنبه ی ظلمانی جهان امروز وظیفه ی ما است که تلاش کنیم ذات فرهنگ به اصطلاح مدرن شناخته شود زیرا آن فرهنگ حجاب ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این به آن معنی نیست که از فردا به ابزارهای دنیای مدرن پشت کنیم، اصلاً این کار در حال حاضر شدنی نیست، عمده آن است که متوجه باشیم فرهنگی که در باطن تکنیک غربی نهفته است فرهنگ انقطاع از عالم قدس و معنویت است و غیب عالم را در حجاب می برد و بشر را از حضور در عالم غیب محروم می کند. اگر از این نکته غافل شویم به جای استفاده از تکنولوژی غربی، مسحور تکنیک می شویم و نظرهایمان از وضع مطلوب برداشته می شود. این یک قاعده است که اگر انسان کفر را که حجاب حقیقت است نبیند، کفر او را اشغال می کند و این است معنی شناخت انحراف های وضع موجود.



نور قرآن به جدّ ما را متوجه حجاب های دنیای مدرن می کند، قرآن آمده است که به ما نشان بدهد کفر، حجاب حق و حقیقت است. مگر

ص: 43

می شود

کفر را شناسید و به ایمان رجوع کنید؟ وقتی کفر شناخته شد و معلوم شد چگونه حجاب حقیقت می شود و وقتی وضع مطلوب را درست تصور کردیم بصیرت واقعی طلوع می کند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: هرچه این امر، یعنی زمان غیبت، نزدیک تر شود، تقیه شدید تر می گردد. زیرا آن چنان حق در حجاب می رود که شما نمی توانید آن را اظهار کنید. تقیه فقط این نیست که برای حفظ جان خود و دیگران عقاید خود را اظهار نکنید بلکه اگر ملاحظه کردید جامعه حرف حق شما را نمی فهمد، باید از اظهار آن خودداری نمائید. حضرت در آن روایت می فرمایند هرچه به زمان غیبت نزدیک تر می شویم آن چنان غفلت از غیب برعالم حاکم می شود و کثرات همه ی توجه ها را به خود جلب می کند که مؤمنین چاره ای جز تقیه ندارند. در این صورت بیشتر باید منتظر فرجی بود که به کمک آن چشم دل انسان ها گشوده می شود و در همین رابطه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمد بن عثمان توصیه می فرمایند: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» (1) برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما در آن است. با توجه به این امر باید دعا کرد مردم متوجه عالمی شوند که آن عالم فقط با ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود. (2)



1- بحار الأنوار، ج 52، ص 92.

2- در دعای شریف ندبه از یک طرف متوجه حقیقت بزرگی می شویم که غایب است و زمانه هنوز امکان درک آن مقام را ندارد، از طرف دیگر سخت مشتاق حضور آن حضرت هستیم. در چنین شرایطی به دعا برمی خیزیم تا به مدد الهی دل ها آماده ی توجه به نور حضرت شوند و فرج نهایی محقق گردد. روشی که در دعای ندبه به ما آموزش داده اند عالی ترین روش عملی تحقق ظهور حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

باید مردم توان فهم جایگاه امام را داشته باشند و بدانند مطلوب آن ها چیزی است که بدون حاکمیت امام معصوم محقق نمی شود. این که فرمودند: فرج شما در این است که جهت تعجیل فرج، دعا کنید برای این است که در فرج الهی شعوری پیدا می شود که مردم می توانند امام را درک کنند و چون هم اکنون امام، حی و حاضرند باید بتوانیم از نور ولایت آن حضرت در دوره ی غیبت شان در امر تعجیل فرج استفاده کنیم. چون حضرت هم اکنون هستند و آماده اند به زندگی ها روشنی ببخشند تا شایستگی حضور در محضر امام برای جامعه حاصل شود و حضرت ظهور کنند و مردم بتوانند با باطنی ترین بُعد هستی مرتبط شوند.

شرایط انس با عالم غیب

در راستای فهم مقام امام می توان به آینده امیدوار بود و شرایط طوری شده که اگر یک طرف ظلمات محض است، طرف دیگر خبر از طلوع نور می دهد. در حال حاضر زمانه تا



حدی زمینه ی فهم ولایت فقیه را پیدا کرده به طوری که منکرین ولایت فقیه هم می فهمند ولایت فقیه یعنی چه و مجبور شده اند در مورد آن فکر کنند چون موضوعی است که اندیشه ی اندیشمندان را مخاطب خود قرار داده و نه سیاستمداران را.

در مورد موضوع مهدویت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز موضوع از همین قرار است که اندیشه ها را مخاطب خود قرار داده و بحث ظهور باطنی ترین

ص: 45

بعد هستی جهت مدیریت جهان در میان است تا همه ی ابعاد بشر به سوی کمال خود هدایت شوند. از تئوریسین های تمدن جدید پرسید کدام بعد از ابعاد بشر را شما در این تمدن جواب می دهید؟ آیا این ها جز به ارضای امیال نفس اماره مثل شهوت و شکم و غضب پرداخته اند؟ وقتی یک مکتب اندیشه ی انسان ها را مورد خطاب قرار داد، آن مکتب صاحب آینده است. دیگر نباید گفت تعداد ما شیعیان کم است. این حرف، حرف منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. باید ملاحظه شود آیا سخن رقیب شما منطقی است یا نه؟ اگر 313 نفر انسان پیدا بشوند که به واقع منطق شان را بتوانند با امام معصوم تطبیق بدهند و امام را بفهمند، امام ظهور می کند.

اگر روح زمانه، توان فهم جایگاه حضرت ولی الله را داشته باشد و بتواند نظر به ابعاد غیبی عالم بکند، حضرت ظهور می کنند. ظهور امام مشروط به فهم و درک مقام امام است که در موطن غیب مستقر می باشد. وقتی اندیشه ها طوری رشد کرد که آن حقیقت غیبی زمینه ی ظهور پیدا کرد همه ی عالم تسلیم اراده ی او هستند، همان طور که دست من تسلیم اراده ی نفس ناطقه ی من می باشد. در این شرایط کم و زیاد بودن افراد ملاک نیست، عمده چنین



ظهوری است که همه ی تاریخ منتظر آن بوده و در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام نیز محقق نشد. آن شرایط، عالی ترین شرایط برای زمین و زندگی زمینی است. دیگر این سؤالات که چند سال حضرت بعد از ظهور زنده اند؟ سؤالی نیست که اندیشه را پروراند.

مهم این است که بفهمیم از طریق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم غیب ظهور خاصی در این جهان پیدا می کند که منجر به بلوغ همه چیز می شود. فهم

ص: 46

چنین شرایطی همین حالا هم ما را در زمره ی حاضران در اردوگاه حضرت قرار می دهد. بعضی از سؤال ها، سؤال های کسی است که می خواهد با قضیه ساده برخورد کند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلامی فرماید: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ ذَهَبَتِ الشَّحَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ» (1)

اگر قائم ظهور کند آسمان بارانش را بباراند و زمین گیاهش را برویاند و کینه و دشمنی از دل بندگان برود و گرگ و میش با هم آشتی کنند تا آنجا که زنی از عراق به شام رود و جز بر روی گیاه گام نهد و سبش بر سرش باشد و درنده به او آزار نرساند و از آن نترسد.

این روایت شریف خبر از آن می دهد که مقام عالم، مقام صلح می شود. اما فرهنگ انتظار به مسئله ای بالاتر اشاره دارد که عبارت از شرایط تجلی حقایق غیب در پرتو وجود مقدس حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مهم توجه و ارتباط با چنین شرایطی است، همین طور که اگر شما خدا را به واقع شناختید دیگر به مطلوب خود رسیده



اید و معنی نمی دهد بگوئید چند سال باید خدا را بشناسم. وقتی به آن شناخت دست یافتید به مطلوب خود رسیده اید- چه امروز بمیرید، چه صد سال دیگر- در هر حال حق را در منظر خود دارید و حضرت حق همواره برای جان شما ظهور دارد. وقتی در پرتو نور امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان به بلوغ خود رسید بشریت به

ص: 47

1- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ص 115.

مطلوب خود خواهد رسید. دیگر نباید نگران باشد که چند سال در آن شرایط با امام زندگی می کند؛ چون با ظهور ولایت تامه، عالم از نظر وجودی، غرق نعمت می شود و منتظران وارد چنین عالمی می گردند. همان طور که با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن هایی که به دنبال دین بودند نجات پیدا کردند در حالی که بقیه یا با دین تحریف شده یهودیت و مسیحیت زندگی می کردند و یا گرفتار ظلمات بی دینی جاهلیت بودند. اسلام که آمد همه چیز برای آن هایی که به دنبال دین بودند روشن شد، دیگر فرق نمی کرد یک ماه مسلمان باشند و بمیرند یا یک قرن. حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف که ظهور کنند باطنی ترین حقیقت غیبی هستی ظهور کرده و بشریت به همه چیز رسیده، در آن حالت بعد و بعد مطرح نیست تا سؤال شود پایان آن ماجرا چه موقعی است.

هر که او ماهی نباشد، جوید او پایان آب

هر که او ماهی بود کی فکرت پایان کند



همه در عالم انس با آن نور قرار می گیرند، زمان دنیایی و زمان فنا به آخر می رسد و زمان دیگری که زمان بقاء است و بعد و بعد در آن مطرح نیست شروع می شود. آن کس که این را بفهمد و منتظر چنین شرایطی باشد عملاً دل خود را به آن عالم برده و در آن شرایط زندگی می کند و اگر با چنین عالمی بمیرد همانند کسی است که با حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی کرده است. عمده مطلب معرفت حضوری به آن شرایطی است که حضرت ظهور می کنند و باطنی ترین بعد هستی به صحنه می آید. حال از خود پرسید آیا امام نازل می شوند در حد مردم، یا مردم صعود می کنند در حدی که منور به تجلی نور امام می گردند؟ برای جواب به این

ص: 48

سؤال خوب است بحثی که گذشت را با دقت بیشتری بازخوانی کنیم تا بتوانیم موضوع را ادامه دهیم.

شرح فراهایی از مبحث قبل

1- روشن شد «ولایت» باطن نبوت است و از آن جهت که حضرت علی علیه السلام مظهر ولایت است با همه ی پیامبران بوده است، همان طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عَلِيٌّ نَفْسِي» (1) علی نفس و جان من است، و در جریان مباحثه هم که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ...» بگو: ما فرزندان خود را می آوریم و شما هم فرزندان خود را بیاورید و ما زنان خود را می آوریم و شما هم زنان خود را بیاورید، ما نفس ها و جان های خود را می آوریم و شما هم جان های خود را بیاورید». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به



جای «آنفس» یعنی جان خود، امیرالمؤمنین علیه السلام را آورند. خود امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می فرمایند: «كُنْتُ وَلِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ» (2) من ولی بودم و آدم بین آب و گل بود. یا این که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «خَلَقَ اللهُ رُوحِي وَ رُوحَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ بِالْفِي عَامٍ» (3)

خداوند روح من و روح علی را دو هزار سال قبل از خلقت خلق، آفرید. یعنی آن ذوات مقدس قبل از ظهور عالم در باطن عالم موجود بودند، منتها یکی به

ص: 49

1- الأربعون حديثاً، شهيد اول، ص 73.

2- جامع الاسرار، سيد حيدر آملی، ص 382.

3- همان

عنوان نبی و دیگری به عنوان ولی. یا این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «بُعِثَ عَلِيٌّ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ سِرًّا وَ مَعِيَ جَهْرًا» (1) علی با هر پیامبری به صورت سری بود اما با من به حالت آشکارا برانگیخته شد. چون با ظهور آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که ظهور سرّ و باطن همه ی انبیاء است، زمینه ی ظهور سرّ بقیه ی انبیاء نیز فراهم می شود تا آن باطن از طریق ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ظهور تامّ خود به صحنه آید و اول به آخر سیر کند و همان طور که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «أَنَا الْأَوَّلُ وَ أَنَا الْآخِرُ وَ أَنَا الْبَاطِنُ وَ أَنَا الظَّاهِرُ وَ أَنَا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (2) من اول و آخر و باطن و ظاهر هستم و به هر چیز آگاه هستم. این مطلب در قاعده ی فلسفی «النهائيات هي الرجوع إلى البدايات» مطرح شد به طوری که آنچه در آخر در عالم عین ظاهر می شود، برگشت به



حقیقت غیبی خودش دارد که در ابتدا بوده و نیز روشن شد غیبی ترین حقایق عالم، مقام ولایت تامه است که در آخرالزمان این حقیقت غیبی تحت عنوان دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به نور آن حضرت ظاهر می شود و حضرت حامل آن حقیقت اند و ولایت الهی را در تمام ابعادش ظاهر و حاکم می کنند.

از آن جایی که این موضوع یک موضوع عقلی و معرفتی است، اندیشمندان دنیا زمینه دارند که به آن توجه کنند به خصوص به آن زیبایی که در شیعه مطرح است و برای آن مصداق تعیین کرده است، به طوری که پروفیسور کربن استاد دین شناسی دانشگاه سوربن می گوید: به عقیده ی

ص: 50

1- همان

2- بحار الأنوار، ج 39، ص 347.

من تشیع تنها مذهبی است که رابطه ی هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به استمرار ولایت اعتقاد دارد ... تنها مذهب تشیع است که می گوید: نبوت، با رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ختم شد، اما ولایت که همان رابطه ی هدایت و تکمیل است، پس از رحلت آن حضرت هم چنان باقی است. مهدی، حقیقتی زنده است که هرگز نظریه های علمی نمی توانند او را از خرافات بشمارند و او را از فهرست حقایق حذف کنند. (1)



شیعه با بحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوع مهدویت، حقانیت خود را به جهان ثابت می کند. بشر از خود خواهد پرسید مگر می شود جهان در نهایت به ظهوری کامل از حقیقت دست نیابد و مگر می شود آن حقیقت هم اکنون بالفعل موجود نباشد تا موجب جذب عالم به سوی آن انتهای معنوی گردد؟(2)

2- نکته ی دیگری که باید از مباحث گذشته روشن شده باشد فعال بودن عقیده ای است که متوجه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انسان معتقد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فردایی می اندیشد که امروزش سخت به آن مربوط است و در نتیجه همین امروز در فرج است و ماوراء سایه ی سیاه زمانه زندگی می کند و زندگی خود را بزرگ تر از محدوده ی امروز تعیین کرده و با عقیده ای بزرگ به زندگی ادامه می دهد. توجه به این که در متن

ص: 51

-
- 1- تشیع و انتظار، محمدتقی خلیجی، ص 120، چاپ پنجم، نشر پیام اسلام، قم 1381.
 - 2- این نکته تحت عنوان «غایت مفقود، محال است» در فلسفه مورد بحث قرار می گیرد و در کتاب «مبانی معرفتی مهدویت» بحث شده است.

هستی، چنین حقیقتی هم اکنون موجود است و در حال ظهور می باشد انسان را به سوی ابعاد غیبی عالم سوق می دهد و گسترده ی زندگی معنی پیدا می کند.

3- روشن شد در آخرالزمان جبهه های حق و باطل به صورتی پررنگ تر از گذشته ظاهر می شوند، جبهه ای که یک طرف آن توحید خالص است با حضور همه ی موحدان تاریخ،



حتی آن‌هایی که رحلت کرده اند رجعت می‌کنند به طوری که هیچ نفاقی نمی‌تواند خود را در آن جبهه جای دهد؛ و جبهه‌ای در مقابل آن جبهه که کفر محض است، و هیچ نوری از توحید در آن نیست، و در چنین شرایطی همه‌ی ابعاد الهی و غیر الهی عالم ظهور می‌کند در حالی که حاکمیت با حق خواهد بود و روح‌های شیطانی امکان حيله گری را از دست می‌دهند و به این معنی حضرت باقر علیه السلام فرمودند: «وَيُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ»⁽¹⁾ هر شیطان سرکشی به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هلاک می‌شود.

4- در مورد تحلیل و تصور درست از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید دانست اگر روح زمانه به درک معارف بلند نرسیده باشد نمی‌توان آن معارف را در مجامع عمومی طرح کرد، چون جای خود را در بین افکار عمومی باز نمی‌کند تا اندیشه‌ها بتوانند موافقت یا مخالفت کنند. در چنین موقعیت‌هایی باید زمینه‌های فرهنگی را رشد داد تا آرام آرام آن معارف جای خود را باز کنند و به صورت کاربردی در زندگی مردم وارد شوند. در نظر بگیریید اگر کسی در زمان ناصرالدین شاه که تصور عمومی آن بود

ص: 52

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 150.

که حاکمیت فقط باید مربوط به شاه باشد، مطرح می‌کرد که در مسائل سیاسی و نظامی و اقتصادی باید دین حاکم باشد، سریعاً از این جمله چنین برداشت می‌کردند که شما معتقدید روحانیون باید شاه بشوند، چون تصویری تحت عنوان این که امکان دارد قوانین در جامعه حکومت کنند و مسئولان کشور هم کارگزار و مجری قوانین باشند، معنی نداشت ولی آرام



آرام زمانه توانست تصور حاکمیت قانون را به جای حاکمیت شخص شاه بفهمد. در این حالت است که می توان مطرح کرد: «حالا که باید قانون حکومت کند، بهترین قانون، قانون خداست» و طرح ولایت فقیه در شرایط جدید اندیشه ها را به خود واداشت.

غیبت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شد تا تصور صحیح و معنی درستی از ظهور ولایت تامه ی حق در همه ی ابعاد زندگی بشر به وجود آید و معنی چنین ولایتی برای اندیشه ها روشن گردد.⁽¹⁾

همان طور که امروز معنی ولایت فقیه برای موافق و مخالف روشن است و مخالفان هم می توانند معنی درست آن را تصور کنند. طرح ولایت فقیه در مسیر تاریخ معاصر آرام آرام جای خود را باز کرد، به طوری که امروزه می توان به عنوان یک گفتمان با افراد صحبت کرد و آن را در مجامع علمی طرح نمود که چگونه می شود حکم خدا در نظام اقتصادی، سیاسی، تربیتی یک جامعه جاری باشد و روشن کرد تفاوت آن با حاکمیت اندیشه ی بشر

بر

ص: 53

1- مقام معظم رهبری «حفظه الله» معتقدند اگر پیام غدیر در جامعه ی اسلامی پذیرفته می شد و همچنان ائمه بر جهان اسلام حاکم می شدند «باز به گمان بیشتر بشر نیاز به یک دوران انتظار داشت تا بتواند آن جامعه ی آرمانی را تحقق ببخشد. (غدیر سال 1384)

امور سیاسی، اقتصادی، تربیتی در چیست، از نظر تاریخی تا این جاها جلو آمده ایم و در حال حاضر مشکل تاریخی ما در چگونگی اجرای حکم خداست نه در پذیرش حکم خدا.



در حال حاضر افکار عمومی نمی گویند: مگر روحانیون هم می شود شاه شوند؟ چون می فهمند معنی حاکمیت حکم خدا توسط فقیه به معنی حاکمیت سنن معنوی عالم است در قالب تشریح الهی.

در نظر بگیرید اگر همین روند فکری- فرهنگی ادامه پیدا کند، حاکمیت حکم خدا توسط امام معصوم چه اندازه معنی خود را می یابد و عموم مردم آماده ی نظر به باطنی ترین بُعد هستی می گردند. این است که گفته می شود در دل فهم ولایت فقیه، شوق انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پایه ریزی می شود.

معنی آماده شدن زمانه از نکات بسیار ظریف و عمیقی است که تحت عنوان «انتظار فرج» باید مورد توجه قرار گیرد و از شخص منتظر، انسان حکیمی می سازد که بداند در چه زمانی باید چه اقدامی انجام دهد تا منجر به حضور افراد جامعه در محضر غیبی ترین بُعد هستی گردد. (1)

موضوع سیر جدایی جبهه ی حق از جبهه ی باطل در مسیر تاریخ از نکته های قابل توجهی است، به طوری که مقابله با رژیم ناصرالدین شاه با این که شاه یک کشور شیعه بود، با مقابله با نظام اسلامی که ولی فقیه بر رأس آن است یک شکل نیست و به یک اندازه مقابله ی حق با باطل به حساب نمی آید. این است معنی پررنگ تر شدن تقابل جبهه ی حق و

ص: 54

1- در مورد چگونگی اقدامی مناسب روح زمانه به نوشتار «اهل البیت علیهم السلام و زمان شناسی» در کتاب «امام و امامت در تکوین و تشریح» از همین مؤلف رجوع فرمایید.



جبهه ی باطل که حضرت صادق علیه السلام در موردش می فرمایند: «فإنه تمتد أيام غيبته ليُصرحَ الحقُّ عن محضه و يصفوَ الإيمانُ من الكدرِ بارتدادِ كلِّ من كانت طيبته خبيته من الشيعة»⁽¹⁾ غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف طولانی خواهد شد تا حق محض عیان و آشکار گردد و با ارتداد شیعیانی که دارای سرشت پلید هستند، ایمان از آلودگی پاک گردد.

شاه عباس بر سر فقها تا آسمان منت می گذاشت تا به شهرها نامه بنویسد که حکم شیخ بهایی و محقق کرکی به عنوان شیخ الاسلام نافذ باشد، ولی سیر تاریخی در حال حاضر به جایی رسیده است که ولی فقیه حکم رئیس جمهور را تنفیذ و قابل اثر می کند و این همان معنی جهت گیری عالم است به سوی غلبه ی همه جانبه ی ولایت حق و ظهور ولایت تامه ی الهی از طریق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طوری که اگر مانعی در این مسیر پیش بیاید چون آن مانع بی ریشه است محکوم به فنا می باشد و هرگز امکان ندارد جهت گیری عالم به سوی ولایت کامل الهی تغییر کند. زیرا تحقق ظهور ولایت تامه ی الهی جزء لاینفک عالم هستی است و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر همین مبنا می فرمایند: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي»⁽²⁾ اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد آن روز آن قدر طولانی می شود تا مردی از فرزندان من برانگیخته شود.

ص: 55

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 356.

2- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج 2، ص 340.



معنی پر رنگ شدن جبهه ی حق و باطل هم اکنون ظاهر شده و باطل بسیار جذاب گشته و تنها از طریق حق محض و آن هم در نهایت پررنگی یعنی خلوص همه جانبه، قابل دفع است و منتظران واقعی کسانی اند که در امر نزدیکی به حق، نهایت تلاش را در عقیده و عمل داشته باشند. اگر در یک دین داری ضعیف و نیم بند هستید معلوم نیست در این شرایط که باطل این چنین پُررنگ و جذاب است، سر به سلامت ببرید. باید به صورتی عمیق حساب خود را از باطل زمانه جدا کنید و اگر به کفر زمانه با آن همه ظاهر تکنیکی اش، «نه» گفته نشود در زیر سایه ی ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار نخواهیم گرفت، همچنان که انجمن حجتیه ای ها قرار نگرفتند، چون در عین پذیرش همه ی تجملات دنیای مدرن می خواستند طالب ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و نتیجه آن شد که روبه روی انقلاب اسلامی ایستادند. (1)

5- ابراهیم گرخی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید:

أَلَمْ يَكُنْ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوِيًّا فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ فَكَيْفَ ظَهَرَ عَلَيْهِ الْقَوْمُ وَ كَيْفَ لَمْ يَدْفَعَهُمْ وَ مَا يَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنَعَتْهُ قَالَ قُلْتُ وَ آيَةٌ آيَةٌ هِيَ قَالَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (2)

إِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَائِعُ مُؤْمِنُونَ فِي أَصْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ وَ



- 1- مقام معظم رهبری «حفظه الله» می فرمایند: اگر قدرت در اجتماعات انسانی دست شیطان صفتان باشد دنیا به همان راهی می رود که شما امروز مظاهر آن را در دنیای مدرن مشاهده می کنید. هرچه دنیا مدرن تر بشود خطر آن گونه حکومت ها بیشتر می شود. (1389/9/4)
- 2- سوره ی فتح، آیه ی 25.

مُنَافِقِينَ فَلَمْ يَكُنْ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَقْتُلِ الْآبَاءَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْوَدَائِعُ فَلَمَّا خَرَجَتِ الْوَدَائِعُ ظَهَرَ عَلَىٰ مَنْ ظَهَرَ فَقَاتَلَهُ وَكَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّىٰ تَظْهَرَ وَدَائِعُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا ظَهَرَتْ ظَهَرَ عَلَىٰ مَنْ يَظْهَرُ فَقَاتَلَهُ» (1)

آیا حضرت علی علیه السلام در دین خدا نیرومند و جدی نبود؟ حضرت فرمودند: آری. عرض کرد پس چرا آن مردم بر او غلبه کردند و چرا از اصحاب خود دفاع نکرد و چه مانعی در مقابل خود داشت؟ فرمود آیه ای در کتاب خدای عز و جل او را مانع شد. گوید عرض کردم آن کدام آیه است؟ فرمود گفته خدای عز و جل که می فرماید: «اگر مؤمنان و کفار از هم جدا می شدند، آن کسانی که کافرنند را عذابی دردناک می کردیم» به درستی که برای خدای عز و جل مؤمنانی باشند که در اصلاب مردم کافر و منافق امانت هستند، علی علیه السلام پدران را نمی کشت به انتظار این که امانت ها بیرون آیند و چون امانت ها بیرون آمدند غلبه خواهد شد بر کسانی که باید با آن ها جنگید و بر این اساس قائم ما اهل بیت هرگز ظهور نکند تا امانت های خدای عز و جل از پشت کفار ظاهر گردد و چون ظاهر گردند غلبه کند بر آن هایی که باید بر آن ها غلبه کند و پیروز گردد، پس آن ها را به قتل برساند.

این روایت به خوبی نشان می دهد در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط طوری شکل می گیرد که مرزهای حق و باطل به خوبی از هم جدا است و



امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محدوریت امیرالمؤمنین علیه السلام را ندارند تا

ملاحظه

ص: 57

1- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 642.

کنند کسی که به جنگ حضرت آمده مثلاً نسل دهمش مؤمن است و لذا باید کشته نشود، چون اولاً: در آخرالزمان تمام کفر در مقابل حضرت است. ثانیاً: همه ی امانت ها از پشت پدرانشان خارج شده است. معلوم است که چنین جبهه ای شکوفایی خاصی در نمایاندن حق دارد و حتماً باید ظهور کند تا «حق» در همه ی جلوه هایش ظهور کرده باشد.

6- ظلمات آخرالزمان آن چنان غلیظ است که هرگونه غیبی را انکار می کند، در چنین شرایطی هرکس نظر به باطنی ترین بُعد هستی یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشته باشد یک نحوه نسبت و سنخیتی با ظلمات آخرالزمان پیدا خواهد کرد و به همان اندازه از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که حقیقت خالص است فاصله دارد، حتی کسی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبول دارد ولی نه از آن جهت که حضرت در حال حاضر موجود باشند بلکه موعودی است که بعداً می آید، و از این طریق از ارتباط حضوری با آن حقیقت غیبی خود را محروم می کند، به وهمیات حاصل از ظلمات آخرالزمان گرفتار خواهد شد. باید از او پرسید چگونه امامی که مقصد عالم است هم اکنون در افق عالم غیب موجود نیست، در حالی که تمام عالم به او متصل است و از پرتو انوار وجود او بهره می گیرند؟ مگر می شود خودِ امام منفعل عالم باشند و وجود او منوط به زمین



و زمان خاص گردد؟ این فکر نشانه ی گرفتاری در ظلمات آخرالزمان است که هر گونه غیبی را انکار می کند و در واقع یک نوع انکار ولایت حق در عالم است.

7- به اندازه ی آماده شدن جامعه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه خود را به غیب و قیامت نزدیک می کند و بستر تحقق هر چه زودتر آن غیب

ص: 58

نهایی فراهم می گردد زیرا نفس پایداری در انتظار، موجب صعود جامعه به سوی غیب خواهد شد و مدت غیبت آن حضرت را کوتاه می کند و عالم غیب را به ظهور تبدیل می نماید. یهودیان در مورد انتظار از حضرت عیسی علیه السلام گرفتار ارتجاع سیاه شدند، همان چیزی که بعداً مسیحیان بدان گرفتار شدند و چون هیچ کدام منتظر انوار غیبی نبودند، نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ندیدند. در اسلام هم اکثر مسلمانان روحیه ی انتظار از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود شعله ور نگه نداشتند تا بتوانند ماوراء وضع موجود، به افقی برتر نظر کنند، همان طور که بعضی شیعیان وارد اردوگاه منتظران نشدند و نتوانستند نور انقلاب اسلامی را که شروع طلوع ظهور است، بنگرند.

8- در رابطه با این که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی کمالاتی که امکان ظهور در دنیا را دارد، محقق می شود و انبیاء گذشته هر کدام تلاش می کردند بعضی از آن ها را ظاهر کنند، حضرت امام حسین علیه السلام می فرمایند: «فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سَنَةٌ مِنْ يُوسُفَ (1) وَ سَنَةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَ أَحَدَهُ» (2) در نهمین فرزند من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است، او قائم ما اهل بیت است و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید و



1- سنت یوسف علیه السلام عبارت است از «ستر» که خداوند بین او و خلق حجابی قرار داد که مردم او را می دیدند ولی نمی شناختند. و سنت موسی بن عمران علیه السلام تولد پنهانی حضرت و غیبت او از قومش بود.

2- شیخ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص 427. کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 317.

در همین رابطه از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمَدُهَا» «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود». سُدیر می پرسد: یا بن رسول الله: علت آن چیست؟ می فرمایند خداوند نمی خواهد این امر انجام شود مگر این که سنت هایی که پیامبران در غیبت شان داشته اند، در این غیبت نیز انجام گیرد. پس ای سُدیر باید تمام مجموع غیبت های پیامبران، در آخرین غیبت وجود داشته باشد و سنت های گذشتگان در مورد شما جاری شود.»(1)

وقتی بنا است آن سنتی که در غیبت سایر انبیاء واقع شده جمعاً در غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری شود پس باید زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شرایطی فراهم گردد که امکان ظهور تمام حقایقی که پیامبران می خواستند واقع شود به میان آید و از این لحاظ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عصاره ی ظهور حقایق همه ی انبیاء است و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام: «وَيَحْيِي مَيَّةَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»(2) یعنی؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب و سنت را که مرده است، زنده می کند. در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد



شد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله و سلم وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا».(3) همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنچه قبل از اوست همه را منهدم می کند و اسلام جدیدی به میان می آورد. و نیز حضرت می فرماید: «إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لِهْمِ دَوْلَهُ إِلَّا

ص: 60

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 480.

2- نهج البلاغه، خطبه ی 138.

3- بحار ج 52 ص 352- نعمانی، الغیبه باب 13، ص 231.

مَلَكُوا قَبْلَنَا لَنَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرِهِ هَوْلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».(1) همانا دولت ما پایان دولت ها است و هیچ خاندانی که بخواهند بدولت و سلطنت رسند بجای نمانند جز اینکه پیش از ما به سلطنت رسند، تا اینکه چون راه و روش ما را ببینند نگویند: چون ما به سلطنت رسیم مانند اینان رفتار کنیم و همین است معنای گفتار خدای تعالی: «و پایان کارها از آن پرهیز کاران است»(2)

و نیز می فرماید: «... و در میان خلائق به طریق داوود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کند، در این وقت زمین خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند...»(3)

و نیز می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، زمینی باقی نمی ماند مگر آن که ندا در آن سر داده می شود که «اشهد ان لا اله الا الله و انَّ مُحَمَّدَ رسول الله»(4) می فرماید: «و یدهبُ



الزَّنى و شرب الخمر و یدهب الربا و یقبل الناس علی العبادات و تؤدی الامانات» (5) روابط نامشروع و مشروبات الکلی و رباخواری از بین می رود و مردم به عبادات و اطاعت روی می آورند و امانت ها را به خوبی رعایت می کنند. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ

ص: 61

1- تاریخ ما بعدالظهور، محمد صدر، ص 282.

2- سوره ی اعراف، آیه ی 128.

3- مهدی موعود، ج 2، ص 224.

4- بحارالانوار، ج 52، ص 340.

5- منتخب الاثر، ص 474.

أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ» (1) هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه رایج می گردد و اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه ی نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی کند.

علی علیه السلام می فرمایند: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ السَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ» (2) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود. این خبرها حکایت از همان موضوعی دارد که با ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ی کمالاتی که زمین امکان بروز آن را دارد به وقوع می پیوندد.



9- یعقوب ابن منقوش می گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، عرض کردم جانشین شما چه کسی است؟ حضرت در جواب من پرده ای را که جلو اطاق بود عقب زدند، «فَخَرَجَ إِلَيْنَا غُلَامٌ خُمَاسِيٌّ لَهُ عَشْرٌ أَوْ ثَمَانٌ أَوْ نَحْوُ ذَلِكَ وَأَضِحَ الْجَبِينِ أَيْضُ الْوَجْهِ» (3) یک جوان بسیار نورانی که در ظاهر حدود هشت، ده ساله بود از پشت پرده ظاهر شد - حضرت پنج سال بیشتر نداشتند ولی رشدشان بیشتر از معمول بوده - آن جوان آمد امام فرمودند: این امام شماس است و پس از صحبت هایی به دستور امام عسکری علیه السلام به آن اطاق برگشت. راوی می گوید: پس از این حضرت عسکری روی خود را به طرف من کردند و فرمودند: در اطاق چیزی می بینی؟ من داخل شدم و کسی را در آنجا ندیدم. (4)

آنچه از امثال این اخبار استفاده می شود غلبه ی

ص: 62

1- بحارالانوار، ج 52، ص 33.

2- بحارالانوار، ج 52، ص 316. خصال، ج 2، ص 254، ح 1051.

3- إعلام الوری بأعلام الهدی، شیخ طبرسی، ص 441.

4- همان.

جنبه ی غیبی امام بر جنبه ی جسمانی آن حضرت است. آن هم در زمانی که هنوز نه غیبت صغرای امام شروع شده و نه غیبت کبرای آن حضرت، با این همه غلبه ی غیب حضرت بر ظهورشان بیشتر است.



در نمونه ی دیگر در تاریخ داریم؛ حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که عمه ی امام عسکری علیه السلام هستند، می گوید: در خانه ی امام عسکری علیه السلام بودم عصر روز چهاردهم شعبان سال 255 خواستم به منزل خود بروم، حضرت فرمودند عمه نروید امشب بمانید، امشب نرگس خاتون می خواهد فرزند به دنیا بیاورد. می گوید: «فَقُلْتُ لَهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَا بِهَا أَثَرٌ» (1) گفتم خداوند مرا فدای تو کند در او اثری از حمل نیست. فرمودند مطلب همین است که گفتم. آن شب را در آن جا ماندم و در تمام طول شب منتظر شدم ولی خبری نشد، در ذهن خودم داشتم تردید می کردم که یک وقت امام عسکری علیه السلام از داخل اطاق، با صدای بلند فرمودند: عمه جان شک نکن، ولادت نزدیک است و در طلوع فجر تولد واقع شد. (2)

ظرایفی در تولد حضرت هست که مورد بحث ما نیست. آنچه ملاحظه می کنید جنبه ی جنبه ی غیبی حضرت نسبت به جنبه ی جسمانی حضرت است حتی موقعی که در شکم مادرشان هستند از نظر ظاهر معلوم نیست. در همین راستا در روایت داریم حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان نزول می کنند و به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می نمایند. با توجه به این که اولاً: جنبه ی غیبی حضرت عیسی علیه السلام در آن

ص: 63

1- همان، ص 418.

2- همان.



حد است که از طریق جبرائیل به عنوان یک ملک مقرب، مادرشان حامله شده است. ثانیاً: به آسمان غیب صعود کردند و نمرده اند، این نشان می دهد مقام اصلی غلبه ی جنبه ی غیبی بر جنبه ی جسمانی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است چون اقتدای انسان های معصوم به همدیگر مثل قراردادهای اعتباری ما نیست بلکه ریشه در حقیقت آن ها دارد. و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت از ظهور حقیقت تکوینی خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و این که حضرت مأمورند باطنی ترین بعد هستی را بر عالم جسم حاکم کنند.

در یک کلام: در آخرالزمان به نور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنچه در حال حاضر در دنیا غیب است، تا آنجا که ممکن است به ظهور می آید و موانع ظهور غیب و ظهور حق برطرف می شود. خداوند به ما کمک کند آمادگی پذیرش نور پاک غیبی را در خود و در جامعه ایجاد کنیم و از این طریق نظر جامعه به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نمائیم زیرا حضرت، صاحب اصلی مقام غلبه ی غیب بر عالم جسم اند.

رجعت؛ شرایط تکمیل انسان ها

سؤال: با توجه به این که فرمودید در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط رجعت فراهم می شود این سؤال پیش می آید که رجعت در چه زمانی و برای چه کسانی صورت می گیرد؟

جواب: ظاهراً در متن ظهور حضرت، رجعت به عنوان شرایط تکمیل انسان ها شروع می شود در همین رابطه در روایت داریم که وقتی ظهور



واقع می شود، اهل قبر به یکدیگر مژده می دهند که ظهور واقع شده. حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «هنگاهی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کنند، بر سر قبر مؤمن می آیند، پس به او گفته می شود: فلانی؛ امام ات ظهور کرده. «فَإِنْ تَشَاءَ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ...» اگر می خواهی به او ملحق شوی به او ملحق شو و اگر می خواهی همین جا در ذیل کرامت پروردگارت بمانی چنین کن»⁽¹⁾

خبر ظهور حضرت را به اهل برزخ می دهند تا آن هایی که اجازه دارند به دنیا برگردند اگر خواستند برگردند. البته معلوم است کسانی از آن ظهور خوشحال و جهت رجعت به دنیا آزادند که در زندگی دنیایی منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده اند، مثل این که یک کتاب ارزشمند را یک روزه به کسی قرض دهند و او در آن یک روز نکاتی از آن را نخوانده است، حال اگر بعد از مدتی به او بگویند یک روز دیگر فرصت دارد آن کتاب را مطالعه کند اگر احساس کند حق مطلب را ادا نکرده است و هنوز روحیه مطالعه ی کتاب برایش هست از آن فرصت استقبال می کند، ولی کسی که بیش از آن نمی توانسته از آن کتاب استفاده کند از فرصت پیش آمده استقبال نمی کند. «رجعت» یک فرصت است برای آن مؤمنینی که هنوز جای تعالی دارند. در همین رابطه حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان فارسی و ابودجاجه ی انصاری و مقداد و مالک اشتر با حضرت قائم هستند.⁽²⁾ اشقیائی هم که طالب شقاوت بیشتر بودند رجعت می کنند تا خود را در



1- بحارالانوار، ج 53، ص 91.

2- بحارالانوار، ج 83، ص 91.

شقاوت به فعلیت کامل برسانند. (1)

رجعت باید در دنیا محقق بشود تا زمینه برای تمام کسانی که به فعلیت کامل نرسیده اند و نیاز به فرصت دارند، فراهم شود. به همین جهت معنی ندارد افراد متوسط رجعت کنند، چون آن ها در جبهه های شقاوتِ کامل و یا سعادتِ کامل جایی ندارند.

کامل ترین شرایط

سؤال: در عصر ظهور که حق و باطل هر دو پر رنگ می شود آیا با ظهورِ حق، ارزش ایمان آوردن، بیشتر می شود یا کم تر؟

جواب: ارزش ایمان آوردن، بیشتر می شود چون انسان ها باید در آن شرایط به عالی ترین انتخاب ها دست بزنند و اساساً آن هایی که در جبهه ی حق قرار می گیرند حتماً اراده ای قوی داشته اند که توانسته اند از ظلماتِ آخرالزمان با آن همه جذابیت فاصله بگیرند و به مقابله برخیزند. باید همت بالائی داشته باشند که آمده اند افق عالی ی ظهور حضرت را درک کنند. در روایت داریم که سوره ی «قل هو الله احد» و شش آیه ی اول سوره ی حدید را خداوند برای آخرالزمان نازل کرد. (2)

چون این آیات دارای عمق توحیدی فوق العاده ای است و نشان می دهد در آخرالزمان فهم و درک بالایی در مؤمنین هست که آیات مذکور برای آن ها نازل شده. در آن شرایط کسی نمی تواند مؤمن متوسط و ساده ای باشد، چون جبهه ی



1- حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحَضًا» رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند. (بحار الأنوار، ج 53، ص 39)

2- کافی، ج 1، ص 91.

ساده ای نیست که او در آن قرار گیرد، دو جبهه ی پر رنگ حق و باطل در صحنه است و معنی ندارد که کسی در عین داشتن عقیده ای باطل صورت ایمان به خود بگیرد. امروز اکثر مردم نمی دانند دشمن شان چه اندازه خطرناک و منحرف است، این امر با ظهور حضرت معلوم می شود. مگر زیبایی جهان به این نیست که دروغ و نفاق معلوم شود؟ در حال حاضر گاهی انسان ها متوجه نیستند چه چیزی را انتخاب می کنند و گرنه به انتخاب آن دست نمی زدند و اگر شرایط شفاف شود حق را انتخاب خواهند کرد. زیباترین شرایط برای جهان، شرایطی است که حق و باطل روشن باشد و خداوند با ارسال رسولان و آوردن شریعت و پروراندن انسان های معصوم خواسته است چنین جهانی به بشریت هدیه کند ولی انسان ها آن طور که باید و شاید از آنچه خداوند برایشان فراهم کرد استفاده نکردند.

آخر الزمان؛ عالمی گسترده تر

سؤال: در آخر الزمان که عالم و آدم به رشد نهایی خود می رسند رابطه ی ظاهر عالم با باطن آن چگونه است؟



جواب: ظاهر و باطن عالم به هم نزدیک می شوند. نشئه ی اصلی که در آن نشئه آنچه باطن است ظاهر می شود نشئه ی قیامت است به طوری که ظاهر و باطن در آن نشئه یکی می گردد و باطن، همان ظاهر خواهد بود. برعکس دنیا که حقایق باطنی محجوب هستند و صورت های دنیایی حجاب عالم غیب و معنویت اند ولی هر چه به قیامت نزدیک تر شویم

ص: 67

زمینه ی ظهور عالم غیب فراهم تر می شود. در آن زمانی که حضرت آدم علیه السلام ظهور کرد به همان اندازه عالم غیب امکان ظهور داشت که حضرت آدم علیه السلام آن را می نمایانند ولی هر چقدر جلو می آید امکان ظهور باطن، بیشتر می شود تا به حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می رسد که اوج نمایش سرّی ترین ابعاد عالم غیب است. به این معنی باطن، ظاهر می شود و ظاهر و باطن به یکدیگر نزدیک می گردند تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که باطنی ترین بُعد هستی ظاهر می شود و دنیا از حالت دنیایی اش - که به حجاب بردن حقایق معنوی بود- به حالت قیامتی نزدیک می شود، تا آن جا که حتی ساکنان عالم قبر و برزخ امکان حضور در دنیا را پیدا می کنند و شمه ای از قیامت - که در آن مردگان از قبرها بیرون می آیند- نمایان می گردد. اصل ظهور باطن مربوط به قیامت است و قرآن در وصف آن می فرماید: «تَطَّلِعُ عَلَى الْآفِئِدَةِ» (1) افئده جمع فؤاد به معنی قلب و جنبه ی باطنی انسان است. می فرماید آنچه در قلب ها است طلوع می کند و ظاهر می شود و عملاً جنبه های غیبی انسان ها، ظهور می یابد.

از ابتدای خلقت همین طور سنت ظهور باطن ادامه دارد تا در آخرالزمان و با ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به اوج خود می رسد. به طوری که در اوج خفا، اوج ظهور محقق می شود. آخرالزمان چنین شرایطی است که اگر از جهت ظلمات، در جبهه



ی اشقیاء هر گونه معنویتی مورد انکار قرار می گیرد و فرماندهی آن جبهه با دجالی است که یک چشم دارد و فقط محسوسات را می نگرد، در جبهه ی سُعداء نیز فرماندهی

ص: 68

1- سوره ی همزه، آیه ی 7.

با کسی است که حقیقت او در باطنی ترین بُعد هستی جای دارد و از آن جایگاه ظهور کرده است. در چنین شرایطی که باطن ها آشکار می شود منافق نمی تواند به نفاق خود ادامه دهد و باطنش آشکار می شود. به طور کلی شرایط طوری خواهد شد که جنبه هایی از مخلوقات که عالم غیب و باطن را به حجاب می برند ضعیف و جنبه های ظهور بواطنِ غیبی شدید می گردد و بر این اساس آخرالزمان را مرز بین دنیا و قیامت می دانند. اکثر مردم دنیا اگر بفهمند در آخرالزمان چه اتفاقاتی واقع می شود طالب آن هستند، مگر کافران. انسان های مؤمن به حقایق معنوی آرزو می کنند که آخرالزمان هر چه زودتر واقع شود تا در عالمی گسترده تر از عالمی که فعلاً در آن هستند زندگی کنند و جلوات حاکمیت حق در امور فردی و اجتماعی را درک نمایند.

راز سرعت بخشیدن به ظهور

سؤال: آیا می توان گفت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به جهت اعمال و عقاید شیعیان عقب و جلو می افتد، اگر این طور است چگونه ما می توانیم در نزدیک شدن ظهور آن حضرت اقدام کنیم؟



جواب: بله؛ حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیخ مفید می نویسند:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، وَ»

ص: 69

لا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ، وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ»⁽¹⁾ اگر شیعیان ما، که خداوند به طاعت خودش، موفقشان کند، قلب هایشان در وفای بر توجه به ما و توجه به عهد با ما همدل بود، برکت همراه با ملاقات ما، از آن ها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار همراه با حق معرفت و صحیح بودن آن به سوی آن ها می شتافت، پس ما را از آن ها پوشیده نمی دارد مگر همان چیزهایی که از آن ها به ما می رسد که ما آن کارها را دوست نداریم و چنین اعمالی را از شیعیانمان نمی پسندیم، و خدا مدد کننده است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر آمادگی ما می باشند، منتظر این که دل های ما از پرده ی غیب در آید. این نکته ی بسیار مهمی است که در عین حتمی بودن ظهور، زمان ظهور بستگی به شخصیت افراد جامعه ی اسلامی دارد. همین طور که در عین حتمی بودن اجل مُسمی، امکان تقدم و تأخر آن به اعمال ما بستگی دارد، هر اندازه انسان ها به ورع نزدیک شوند و نظرها به آن امام معصوم معطوف گردد، امکان تسریع در ظهور بیشتر می شود. اگر سطح فرهنگ انتظار را پائین بیاوریم و انتظار خود را از باطنی ترین بُعد هستی به چراغانی و شربت و شیرینی تقلیل دهیم، ظهور حضرت را عقب می اندازیم. با سطحی شدن انتظار عملاً از حضرت می خواهیم تشریف بیاورند و همین کارهایی را که ما می کنیم



بپذیرند و این موجب می شود جلوی ظهور گرفته شود. حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: قائم در میان کم تر از «فئه» خروج نخواهد کرد و فئه ده هزار کمتر نیست. (2)

از آن

ص: 70

1- بحار الأنوار، ج 53، ص 177.

2- اثبات الهداه، ج 3، ص 548.

طرف داریم که یاران حضرت، سیصد و سیزده نفرند. به این معنی است که آن ده هزار نفر صاحب بیرق نیستند ولی سیصد و سیزده نفر صاحب بیرق و از تئورسین های آن مکتب می باشند که حرف حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می فهمند و تا زمینه ی پرورش و نفوذ چنین افرادی فراهم نشود چگونه حضرت می توانند در عالم مدیریت کنند؟ اگر ما نتوانیم زمانه را آماده کنیم که عده ای از مردم زبان امام و زبان آن سیصد و سیزده نفر را بفهمند، امام باز منتظر می ماند. البته بحمدالله احساس می شود آن اندیشه های نورانی در حال شکل گیری است.

باید تلاش کرد از عمق فرهنگ انتظار کاسته نشود تا زبان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بسته نگردد. سعی کنیم در کنار ارادت صادقانه و عواطف پاک، تفقه در دین نیز به میان آید. زمانه ای را که امام می طلبند تشریح کنیم، همان طور که اگر روح اموی و عباسی برای مردم به خوبی روشن می شد، حاکمیت امامان معصوم خیلی زودتر برپا می گشت به طوری که حضرت صادق علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «كَانَ هَذَا الْأَمْرُ فِي فَأَخْرَهُ اللَّهُ وَ



يَفْعَلُ بَعْدَ فِي ذُرِّيَّتِي مَا يَشَاءُ» (1) این امر یعنی ظهور دولت آل محمد را خداوند در من قرار داده بود، ولی آن را به تأخیر انداخت و بعد از من هر طور صلاح بداند، در باره ی ذریه ام عملی می سازد. یا حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقَّتَ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةٍ سَنَةٍ فَحَدَّثْنَاكُمْ

ص: 71

1- بحار الانوار، ج 52، ص 106.

فَادْعَتُمُ الْحَدِيثَ وَكَشَفْتُمْ قِنَاعَ السِّتْرِ فَأَخْرَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَقْتًا عِنْدَنَا وَ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ قَالَ أَبُو حَمَزَةَ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ قَدْ كَانَ ذَاكَ» (1) خداوند مدت ناراحتی را تا هفتاد سال قرار داده بود ولی چون امام حسین علیه السلام کشته شد، غضب الهی بر مردم روی زمین شدت یافت و آن مدت را تا سال صد و چهل به تأخیر انداخت. ما این مطلب را بشما گفتیم و شما این راز را آشکار نمودید، خداوند هم آن مدت را یعنی صد و چهل سال را هم به تأخیر انداخت. و دیگر وقتی برای آن تعیین نکرد. «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» خداوند آنچه را بخواهد از میان می برد و آنچه را بخواهد باقی می گذارد و أم کتاب در نزد اوست.

انقلاب اسلامی کمک زیادی کرد تا جهت گیری ها به سوی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصلاح شود و بر همین اساس حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» فرمودند: «من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری، که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد این نهضت



و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان شاء الله، بیاید. و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند» (2)

این جمله را دست کم نگیرید. هیچ وقت آرزوی حکیمان الهی، آرزوی لغوی که بی مصداق باشد نیست، آرزوی معنی دار است.

ص: 72

1- بحار الانوار، ج 52، ص 105.

2- صحیفه ی امام خمینی «رضوان الله علیه»، ج 15، ص 385.

باید روی این موضوعات فکر کنیم که اولاً: بهترین چیز و بهترین هدیه ی خدا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ثانیاً: سرعت ظهور حضرت به همت ما بستگی دارد و این که سعی کنیم جهت زندگی خود را در جهت ظهور حضرت تنظیم کنیم، در آن صورت اگر قبل از ظهور هم بمیریم به مقصد خود خواهیم رسید، اصل این است که این ارتباط برقرار شود.

برکات نگاه درست به مهدویت

سؤال: در راستای توجه به فرهنگ انتظار و عمق بخشیدن به آن، همت خود را بیشتر در ایجاد آمادگی جامعه صرف کنیم یا در اصلاح امور فردی تلاش نماییم؟

جواب: عنایت داشته باشید که انتظار فرج یک فرهنگ است، آن هم فرهنگی که تحت عنوان فرهنگ اهل البیت علیهم السلام مطرح است، باید ابتدا معنی فرهنگ اهل البیت علیهم



السلام برای تک تک افراد جامعه تبیین شود تا معلوم گردد رجوع به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف رجوع به چه فرهنگی است. در این مسیر بیش از آن که بخواهید عده ی زیادی را متوجه آن فرهنگ بنمائید، باید سعی شود عمق آن فرهنگ درست روشن شود تا خودش جایگاه تاریخی خود را بیابد. بالأخره جایگاه تاریخی فرهنگ مهدویت مشخص است. هر وقت آن فرهنگ درست مطرح شد به خودی خود جای خود را در تاریخ مخصوص به خود باز می کند.

اگر فرهنگ اهل البیت علیه السلام به همان عمقی که هست تثوریزه شود، به خودی خود جای آن در عالم پیدا می شود و ظهور محقق می گردد. تلاش

ص: 73

بفرمائید برای مردم روشن شود خداوند خانواده ای را با اراده ای خاص به عنوان خلفاء خود در زمین قرار داده و آن ها را با علم موهبتی و لدنی پرورانده تا زمین بدون حجت نماند و راه و رسم درست زندگی کردن گم نشود. بشریت باید این خانواده را بشناسد و جایگاه آن ها را در هستی بفهمد تا بتواند خود را به آن ها بسپارد و در زندگی زمینی به ثمر برسد. (1)

همین طور که ملاحظه کردید چگونه فرهنگ ولایت فقیه - که طلوع همان فرهنگ مهدویت است - جایگاه تاریخی خود را پیدا کرد و با آن همه فتنه که جهت حذف آن می شود به حرکت تاریخی خود ادامه می دهد. علت موفقیت های پی در پی ولایت فقیه در تبیین درست آن توسط انسان بزرگی چون امام خمینی «رضوان الله علیه» بود. آیا فرهنگ مهدویت کمتر از فرهنگ ولایت فقیه است که می خواهیم سرسری از آن بگذریم؟ همین که تصور درستی از ولایت فقیه در بین اذهان پدید آمد همه ی ذهن ها به سوی آن روی



آورد، چون در ابتدا تبلیغ کرده بودند ولایت فقیه، ولایت آخوندها است، وقتی معلوم شد اساساً آن ولایت، ولایت شخص نیست، ولایت فقه است و حاکمیت حکم خدا به روش امامان معصوم علیهم السلام، دل ها و زبان ها یک پارچه به سوی آن روی آوردند و دشمنان با آن همه تهمت نتوانستند آن را از تاریخ بیرون کنند بلکه برعکس، زمینه ی بی تاریخی و گسسته شدن از تاریخ را برای خود فراهم نمودند. برای رجوع به فرهنگ مهدویت ابن عباس شدن کافی نیست او چون جایگاه امام معصوم را

ص: 74

1- در رابطه با جایگاه قدسی اهل البیت علیهم السلام به کتاب های «حقیقت نوری اهل البیت علیهم السلام» از همین مؤلف رجوع شود.

نمی دانست وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام معاویه را عزل کردند گفت: علی اشتباه کرد! ، باید مالک اشتر شد که جایگاه امام را می فهمد و امروزه بحمدالله اگر ابن عباس هایی وجود دارند، مالک اشترهای فراوانی نیز در حال پروریدن می باشند به طوری که جوانان ما دیگر از حرف های سطحی جهت تبیین دین خسته شده اند و به اندیشه ای نظر دارند که عقل و دل را یک جا قانع کند و نمونه ی عالی چنین فرهنگی در آثار حضرت روح الله «رضوان الله علیه» به خوبی پایه ریزی شده است.

مردم به خوبی آماده اند که بفهمند جایگاه واسطه ی فیض در هستی چگونه است، از ما نه تنها دلیل می خواهند بلکه امکان اتصال به آن مقام را جستجو می کنند. آمادگی به این معنی است که امروزه جوانان ما فهمیده اند حرف های فرهنگ مدرنیته حجاب حقیقت است و باید از آن به سوی فرهنگ مهدویت عبور کرد و به تمدن اسلامی نظر نمود. آن جوان هایی



که نسبت به دین بی تفاوت شده اند به جهت این است که تصور می کنند آنچه در دین مطرح است اندیشه های بزرگ و عمیق را مخاطب قرار نداده. آیا احساس نکرده اید که بعضی از این جوانان و حتی آن هایی که لاابالی گری پیشه کرده اند آمادگی یک نحوه عارف شدن را در خود دارند؟ فکر می کنید اکثر این ها اگر حق را به همان صورت همه جانبه که حضرت امام «رضوان الله علیه» مطرح کردند، بیابند نمی پذیرند؟ تمام این مشکلات با مطرح کردن صحیح مهدویت رفع می شود و در ذیل طرح درست چنین اندیشه ای تاریخ به کلی ورق می خورد.

ص: 75

سؤال: کدام یک از ابعاد انسانی است که باید بیشتر رشد کند تا تاریخ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شروع شود؟

جواب: دو چیز است که همیشه تاریخ ساز بوده یکی به صحنه آوردن «دل» و دیگری ایجاد روحیه ی انقلابی. همین طور که مسلمانان صدر اسلام با این دو شاخصه تاریخ اسلام را پایه ریزی کردند. عقل چیز خوبی است ولی کافی نیست، عقل کمک می کند که راه از چاه تشخیص داده شود ولی دل است که باید حرکت کند. از طرفی اگر روح انقلاب در ما رشد نکند دل را در مسیر شکستن حجاب های ظلمانی به کار نمی گیریم. امروزه در جوانان ما «دل» در صحنه است و به همین جهت به دنبال شور و شعف هستند و با شعار «مهدی جان، مهدی جان» می خواهند نیاز به شور و شعف خود را ارضاء کنند که البته اگر جهت گیری معرفتی عمیقی پیدا کنند منجر به روحیه ای عارفانه خواهد شد. این که عده ای از جوانان ما می خواهند با موسیقی به شور و وجد بیایند چون می خواهند با دل خود زندگی کنند. روح زمانه، روح به صحنه آوردن «دل» است. اگر دل درست به صحنه آمد گمشده اش که «سلطان



دل ها» است، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا می کند و فرهنگ اهل البیت علیهم السلام چنین ظرفیتی را دارد که دل ها را به صورتی صحیح تغذیه کند. همان مطلبی که پروفسور گُربن می گوید که «آنچه غزالی در آخر عمر به آن رسید- که با قلبش باید زندگی دینی را ادامه دهد- امامان شیعه از اول روی آن تأکید می کردند» با توجه به این امر آیت الله جوادی «حفظه الله تعالی» می فرمایند: «هرچه حرف حسابی غزالی دارد مربوط به آخر عمرش است که شیعه شده است».

ص: 76

به هر حال امروز فرهنگ شیعه که رجوع به اهل البیت علیهم السلام است و به صحنه آمدن دل ایمانی، نیاز زمانه است و باز تأکید می کنم نمونه ی عینی آن حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» می باشد. حضرت امام ابتدا دل خود را با نور اسلام و حُب اهل البیت علیهم السلام زنده کردند و از همان طریق با خطاب قراردادن دل مردم، با مردم حرف می زدند. شاید این جمله ی شهید آوینی «رحمه الله علیه» که می گوید: «مردم بیش از آن که با عقلشان زندگی کنند، با دل شان زندگی می کنند» حرف امروز تاریخ ما است و به واقع باید روح زمانه را شناخت و آن را هدایت کرد، یعنی شور و وجد موجود را با تغذیه ی دل از طریق فرهنگ معصوم جواب داد، چون اساساً فرهنگ معصوم، فرهنگ قلب است، آن ها قلب مطهر خود را در معرض حق قرار دادند و خداوند هم «دل» آن ها را نورانی کرد، پس دل باید در صحنه باشد ولی این دل باید از آلودگی پاک گردد تا به وجد و شعف حقیقی دست بیاید و این یعنی رجوع به فرهنگ ائمه ی معصومین علیهم السلام که سراسر دارای دل مطهر هستند و با چنین دلی باید شور انقلابی خود را تا آخر محفوظ نگه داشت و در ایجاد تاریخ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سر از پا نشناخت.



پس باید جرأت کنیم به کل جهان موجود «نه» بگوییم و زمانه را جهت ظهور باطنی ترین بُعد هستی آماده نماییم. ان شاء الله.

«والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ»

ص: 77

منابع

قرآن

نہج البلاغہ

بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ مؤسسہ الوفاء، بیروت، لبنان

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی

فصوص الحکم، محی الدین بن عربی

الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، چاپ دار الکتب الاسلامیہ

شرح نہج البلاغہ، ابن ابی الحدید

امالی، شیخ صدوق

تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانہ علمیہ تہران

شرح مقدمہ قیصری، سید جلال الدین آشتیانی



ارشاد، محمدبن محمدبن النعمان، چاپ کنگره شیخ مفید

کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، چاپ دارالکتب الاسلامیه

تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، چاپ انتشارات جامعه مدرسین

المعجم الموضوعی لاحادیث لامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، الکورانی

ظهور نور، علی سعادت پرور

نجم الثاقب، میرزا حسین نوری

سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، هاشم بحرانی

استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروسستانی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید محمد صدر

منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی

مجله انتظار

منتهی الآمال، شیخ عباس قمی

مجله موعود

ینابیع الموده، قندوزی

ص: 78



غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی

شرح بر زادالمسافر، سید جلال الدین آشتیانی

مشارق الدراری، سعیدالدین سعید فرغانی

الخرائج و الجرائح، قطب راوندی

كشف الغمه فی معرفه الأئمه

جامع الاسرار، سید حیدر آملی

الأربعون حدیثاً، شهید اول

تشیع و انتظار، محمد تقی خلیجی

تاریخ ما بعدالظهور، محمد صدر

إعلام الوری بأعلام الهدی، شیخ طبرسی

صحیفه ی امام خمینی «رضوان الله علیه»

الریاض النضره، محبّ طبری

ص: 79

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده



• آشتی با خدا از طریق آشتی باخود راستین

• جوان و انتخاب بزرگ

• ده نکته از معرفت النفس

• فلسفه حضور تاریخی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف

• مبانی معرفتی مهدویت

• مقام ليله القدری فاطمه علیها السلام

• زیارت آل یس، نظر به مقصد جان هر انسان

• دعای ندبه، زندگی در فردایی نورانی

• بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام

• جایگاه و معنی واسطه فیض

• امام خمینی و خودآگاهی تاریخی

• انقلاب اسلامی، بازگشت به عهد قدسی

• جایگاه اشراقی انقلاب اسلامی در فضای مدرنیسم

• مبانی نظری و عملی حب اهل بیت علیهم السلام

• آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود



• راز شادی امام حسین علیه السلام در قتلگاه

• تمدن زایی شیعه

• حقیقت نوری اهل البیت

• امام و امامت در تکوین و تشریح

امام و مقام تعلیم به ملائکه

ص: 80